

برساخت مفهوم زنانگی در گذار نسل‌ها (واکاوی کیفی در میان سه نسل زنان شهر کرمان ۱۴۰۳)

بتول صیفوری 

نویسنده مسئول، استادیار گروه علوم اجتماعی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران. رایانامه: batool.seifoori@pnu.ac.ir

اطلاعات مقاله	چکیده
نوع مقاله: پژوهشی تاریخچه مقاله: دریافت: ۱۴۰۴/۰۴/۲۹ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۹/۱۰ انتشار: ۱۴۰۴/۱۰/۰۹ کلید واژه‌ها: مفهوم زنانگی، سه نسل، برساخت اجتماعی، مطالعه کیفی، شهر کرمان.	هدف پژوهش: پژوهش حاضر باهدف واکاوی برساخت اجتماعی مفهوم زنانگی و تحولات بین‌نسلی آن در شهر کرمان انجام شد. هدف اصلی، کشف و مقایسه درک سه نسل مختلف (دختران، مادران، مادر بزرگ‌ها) از این مفهوم و شناسایی مضامین اصلی شکل‌دهنده به گفتمان زنانگی در هر نسل بود. روش پژوهش: این مطالعه با پارادایم تفسیری و به روش کیفی انجام شد. داده‌ها از طریق مصاحبه نیمه‌ساختاریافته با ۳۲ زن ساکن کرمان گردآوری شد و تا رسیدن به اشباع نظری در هر نسل به صورت مستقل ادامه یافت سپس با تکنیک تحلیل مضمون مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. نمونه‌گیری به صورت هدفمند و با حداکثر تنوع انجام شد که شامل ۱۶ دختر (متولدين ۱۳۷۰-۱۳۸۰)، ۱۰ مادر (متولدين ۱۳۵۰-۱۳۶۰) و ۶ مادر بزرگ (متولدين پيش از ۱۳۴۰) بود. یافته‌ها: تحلیل داده‌ها به استخراج سه مضمون اصلی متمایز منجر شد که نتیجه نهایی برساخت زنانگی در هر نسل را نشان می‌داد: «زنانگی به‌مثابه مادر-همسر حافظ فرهنگ و سنت» در نسل مادر بزرگ‌ها، «زنانگی به‌مثابه زن توانمند در جامعه و خانواده» در نسل مادران و «زنانگی به‌مثابه کنشگری و استقلال» در نسل دختران. یافته‌ها تحول زنانگی از تمرکز بر حوزه خصوصی به عرصه عمومی و تأکید فزاینده بر عاملیت فردی را نشان می‌دهد. نتیجه‌گیری: پژوهش نشان داد زنانگی یک برساخت تاریخی-فرهنگی سیال است که در تقاطع عاملیت فردی و الزامات ساختاری بازتولید می‌شود. نوآوری مطالعه در ارائه تحلیلی تطبیقی-بین‌نسلی و شناسایی سه گفتمان مسلط است. یافته‌ها برای سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان فرهنگی این پیام را دارد که برای درک مسائل زنان و تدوین راهبردهای مؤثر، باید تنوع و پویایی برساخت‌های نسلی از زنانگی را به رسمیت بشناسند.

استناد: صیفوری، ب. (۱۴۰۴). برساخت مفهوم زنانگی در گذار نسل‌ها (واکاوی کیفی در میان سه نسل زنان شهر کرمان ۱۴۰۳)،

جامعه‌شناسی اقتصادی و توسعه، ۱۴(۲)، ۱۴۸-۱۶۹.

تمامی حقوق انتشار این اثر، متعلق به نشریه جامعه‌شناسی اقتصادی و توسعه دانشگاه تبریز می‌باشد.

این مجله تابع سیاست دسترسی باز از نوع CC BY: 4 است.



 [10.22034/jeds.2025.68235.1881](https://doi.org/10.22034/jeds.2025.68235.1881)

مقدمه

جامعه‌شناسان بررسی می‌کنند که چگونه نقش‌ها، انتظارات، واکنش‌های اجتماعی و فرهنگی در جامعه بر زنان تأثیر می‌گذارد و چگونه زنانگی به‌عنوان یک ساختار اجتماعی شکل می‌گیرد. نگرش به نقش زنان در سه نسل دختران، مادران و مادر بزرگ‌ها تحت تأثیر تحولات اجتماعی و فرهنگی قرار گرفته است. این تغییر نگرش به تفاوت‌هایی در برساخت مفهوم زنانگی در این سه نسل منجر شده است.

جامعه‌شناسان زنانگی را نه به‌مثابه یک ماهیت زیست‌شناختی ذاتی، بلکه به‌عنوان برساخت اجتماعی-فرهنگی تحلیل می‌کنند که از طریق فرآیندهای نهادی شده‌ی جامعه‌پذیری، بازتولید گفتمانی و مناسبات قدرت شکل می‌گیرد. این مفهوم در چارچوب نظریه‌های جنسیت، محصول دیالکتیک میان ساختارهای کلان (نظیر نهادهای خانواده، دین، اقتصاد و رسانه) و کنش عاملیت‌مند زنان در بسترهای تاریخی-فرهنگی خاص تعریف می‌شود. مطالعات تقاطع‌گرا بر هم‌تکثیری تجربه‌ی زنانگی تأکید دارند، بدین معنا که متغیرهای طبقه، قومیت، سبک زندگی و موقعیت جغرافیایی-سیاسی، خوانش‌های چندپارهای از این مفهوم تولید می‌کنند. از منظر انتقادی، زنانگی به‌عنوان ابژهای ایدئولوژیک در گفتمان‌های مسلط، از طریق مکانیزم‌های «طبیعی‌سازی» بازتعریف می‌شود که در نهایت تثبیت سلسله‌مراتب جنسیتی موجود را تسهیل می‌کند. بدین ترتیب، پارادایم جامعه‌شناختی با طرد رویکردهای ذات‌باورانه، زنانگی را پدیده‌ای پویا و موقعیت‌مند می‌داند که در میدان تنش‌های ساختاری-عاملیتی دائماً در حال بازآفرینی است.

مفهوم زنانگی در علوم مختلف با تعاریف از منظر خاصی مورد توجه قرار گرفته است. از منظر بیولوژی، به معنای دارا بودن جنسیت زنانه بیولوژیکی است. این شامل ویژگی‌های فیزیولوژیکی مانند ساختار تناسلی، هورمون‌ها و کروموزوم‌های جنسی است که تفاوت‌های زیادی با جنسیت مردانه دارد (مقدم، ۲۰۲۳). در جامعه‌شناسی، جنسیت اجتماعی به اعتقادات، نقش‌ها و رفتارهایی اشاره دارد که در یک فرهنگ خاص به زنان تعلق می‌گیرد و شامل انتظارات اجتماعی، نقش‌های جنسیتی، عادات و فرهنگ‌های مربوط به زنان است. جنسیت اجتماعی بیشتر توسط عوامل فرهنگی و اجتماعی شکل می‌گیرد و ممکن است بین فرهنگ‌ها و زمان‌های مختلف متفاوت باشد (فضلون و عثمان^۲، ۲۰۲۴: ۴۸). از منظر روان‌شناسی شامل ویژگی‌های روحی و رفتاری است که به زنان نسبت داده می‌شود. برخی از ویژگی‌های مرتبط با شخصیت زنانگی می‌تواند شامل تمایل به همکاری و ارتباطات اجتماعی قوی‌تر، تمایل به مراقبت و حمایت، همدلی بیشتر و تمایل به حل مسائل به‌صورت صمیمانه باشد. البته، مهم است توجه کنیم که این الگوها نهایتاً تجمعی از تفاوت‌های افراد است و نباید به‌صورت کاملی برای همه زنان قائل شویم (معروف‌پور و همکاران، ۱۳۹۷: ۵۷). فقدان یا آسیب به ویژگی‌های زنانه مستقیماً بر بهزیستی عاطفی، شادمانی و رضایت زنان تأثیر می‌گذارد. اگر ویژگی‌های زنانه در وضعیت خوبی باشند، فرد احساس امنیت و اعتماد خواهد داشت (جانسون^۳، ۱۴۰۰: ۱۲). زنانگی برساخته‌ای گفتمانی-اجرایی است که ویژگی‌های فرهنگی منتسب به آنچه زن دانسته می‌شود را توصیف می‌کند؛ یعنی رفتارهای به لحاظ فرهنگی قاعده‌مندی که در اجتماع برای زنان مناسب پنداشته می‌شود (بارکر^۴، ۱۳۸۷: ۷۹۲). زنانگی یک مفهوم چندبعدی است که به مجموعه‌ای از ویژگی‌ها، نقش‌ها، هویت‌ها، تأثیر زنان در جامعه و روابط اجتماعی و تجربه زیسته زنان در جوامع اشاره دارد. زنانگی می‌تواند به جنبه‌های مختلفی از زندگی زنان از جمله نقش زنان در خانواده، آموزش و پرورش فرزندان، مشارکت در بازار کار، سیاست، فعالیت‌های اجتماعی و فرهنگی و تأثیر زنان بر روابط بین فردی و اجتماعی بپردازد (سانچز، میرا^۵، ۲۰۲۴: ۱۲۰۱).

در این تحقیق زنانگی به‌عنوان یک مفهوم اجتماعی و فرهنگی مورد بررسی قرار می‌گیرد. جامعه‌شناسان بررسی می‌کنند که چگونه نقش‌ها، انتظارات، واکنش‌های اجتماعی و فرهنگی در جامعه بر زنان تأثیر می‌گذارد و چگونه زنانگی به‌عنوان یک ساختار اجتماعی شکل می‌گیرد. درک «زنانگی» به‌عنوان یک پدیده‌ی برساخته‌ی اجتماعی-فرهنگی، مستلزم بررسی

1. Moghadam
2. Fazloon & Usman
3. Jonson
4. Barker
5. Sánchez, Mira

زمینه‌های محلی و ادراک افراد است همچنین استفاده از روش کیفی و تکنیک تحلیل مضمون به‌عنوان تکنیکی که قادر است لایه‌های پنهان معنا، تناقضات و پیچیدگی‌های مفهوم زنانگی را آشکار کند، رویکردی نو و ضروری برای مواجهه با این پرسش‌های عمیق است و به غنای نظری مطالعات جنسیت در ایران و درک تنوع آن در مناطق مختلف و بین سه نسل متفاوت کمک شایانی می‌کند.

هدف این پژوهش کشف و توصیف الگوهای معناسازی و فهم «زنانگی» در میان زنان سه نسل (دختران، مادران، مادر بزرگ‌ها) و نیز شناسایی و تحلیل مضامین اصلی و زیرم‌های مرتبط با برساخت زنانگی در هر نسل و بررسی شباهت‌ها و تفاوت‌های بین‌نسلی در این برساخت می‌باشد و اینکه چگونه معنا، هویت و انتظارات مرتبط با «زنانگی» در تعاملات اجتماعی، روایت‌های خانوادگی و درک هر نسل ساخته و بازسازی می‌شود.

مفهوم زنانگی در بین سه نسل دختران، مادران و مادر بزرگ‌ها ممکن است در برخی جنبه‌ها تفاوت‌هایی داشته باشد. این تفاوت‌ها ممکن است به دلیل تغییرات اجتماعی، فرهنگی و تکنولوژیکی که در طول زمان رخ داده‌اند، به وجود آمده باشند. یافتن برساخت مفهوم زنانگی میان سه نسل متفاوت از زنان شهر کرمان هدف این تحقیق است به‌عبارت دیگر پرسش اساسی پژوهش حاضر این است که فهم زنان سه نسل شهر کرمان از مفهوم «زنانگی» چیست و چگونه در روایت‌های آن‌ها بازتاب می‌یابد؟ چه مضامین اصلی و فرعی مشترک و متمایزی در توصیف و درک زنانگی در میان زنان هر نسل (نسل دختران، نسل مادران، نسل مادر بزرگ‌ها) قابل‌شناسایی است؟ الگوهای معنایی غالب در برساخت زنانگی در هر نسل و برداشت‌ها از زنانگی در گذار از یک نسل به نسل بعد کدام‌اند؟

ادبیات پژوهش

مبانی نظری و ملاحظات مفهومی

با توجه به رویکرد کیفی تحقیق، طرح نظریه‌های مرتبط با موضوع همان حساسیت نظری است که به ویژگی بصیرت و مهارت محقق در معنی‌دار نمودن داده‌ها، استعداد درک و قدرت تجزیه و تحلیل عناصر مربوط از عناصر نامربوط اطلاق می‌شود که از طریق تجربه حرفه‌ای، مطالعه متون، تجربه شخصی و روند تحلیل داده‌ها در خلال تحقیق افزایش می‌یابد. اهمیت حساسیت نظری در این نکته است که چون اساساً پژوهش کیفی و نظریه زمینه‌ای در پی معنا دادن به داده‌ها هستند، تجربه، دانش و سروکار داشتن با یک تم به‌طور مداوم، توانایی معنادادن به رخدادها و واقعیت‌ها را افزایش می‌دهد (محمدپور، ۱۳۹۷: ۵۳). استفاده از تئوری‌های مرتبط با موضوع برای تحلیل داده‌های کیفی به محقق ایده می‌دهد.

نظریه نسل‌ها^۱

کارل مانهایم^۲ استدلال می‌کند که نسل جامعه‌شناختی با نسل‌های بیولوژیک و جمعیت‌شناختی متفاوت است و عضویت در یک نسل، صرفاً یک واقعیت زیستی نیست، بلکه یک موقعیت اجتماعی است. نسل‌ها بر اساس تجارب مشترک دوره‌ی شکل‌گیری هویت خود (نوجوانی و جوانی)، یک «واحد نسلی» تشکیل می‌دهند که دیدگاه خاص خود را به جهان دارد. مفروضات این نظریه بر اساس تاریخ مشترک نسل (وقایع و تغییرات مهم اجتماعی - تاریخی در سطح کلان)، تجارب اجتماعی مشترک نسل (تجربه حوادث مذکور به‌طور مشترک توسط گروهی تقریباً هم سن و سال در حدود ۲۵ - ۱۷ سالگی آنان)، دیدگاه و ایدئولوژی متمایز نسل (تشکیل آگاهی یا ذهنیت مشترک که درواقع نوعی معرفت، ادراک یا دیدگاه مشترک در بین مجموعه‌ای از افراد است) و پایداری درون نسلی (تأثیر تجارب نسلی در طول حیات اعضای نسل و حضور مسلط آن در حافظه جمعی نسل) است. بر پایه مفروضات نظری مانهایم، نسل منبع خاصی برای هویت ارزشی افراد است. نسل با

1. Theory of generations

2. Karl Mannheim

آگاهی خاص از مقولاتی همچون رفاه، عدالت، ناامنی و استثمار پیوند خورده است و در ذهنیت عموم افراد آن، مفهومی آرمانی از مقولات مذکور وجود دارد و بر این اساس، از آمادگی ذهنی و رفتاری خاص که غالباً متفاوت از نسل‌های قبلی است، برخوردار می‌باشد و از آن منظر، دنیا را به شیوه‌ای متفاوت از هم‌تایانشان در نسل‌های قبل تفسیر می‌کنند تا آنجا که همین تجارب و آگاهی‌های منحصربه‌فرد و مشترک مربوط به یک نسل است که راه تغییر اجتماعی را باز می‌کند. این نظریه پایه‌ای جامعه‌شناختی برای فهم این موضوع فراهم می‌کند که چرا دختران، مادران و مادر بزرگ‌ها، با وجود زندگی در یک فرهنگ کلی، ممکن است برداشت‌های بنیادین متفاوتی از «زن بودن» داشته باشند (بريستو^۱، ۲۰۲۴: ۲۱).

نظریه جایگزینی نسلی

نظریه‌ای که توسط پل آر. أبرامسون و رونالد اینگلهارت^۲ ارائه شده است و سبب تفاوت ارزش‌های جوانان با بزرگ‌ترها را شرایط مختلف رشد آن‌ها می‌داند. از آنجا که تجربیات تکوینی افراد در سنین پیش از بزرگسالی، تمایلات آن‌ها را در طول زندگی بعدی شکل می‌دهد، اگر در یک جامعه خاص، گروه‌های جوان‌تر شرایط اساساً متفاوتی را نسبت به گروه‌های بزرگ‌تر تجربه کرده باشند، تفاوت‌های اساسی و مداومی بین ارزش‌های اساسی نسل‌های قدیمی و جوان پیدا می‌شود. همان‌طور که گروه‌های جوان‌تر به تدریج جایگزین بزرگ‌ترها می‌شوند، به‌طور کلی تفاوت‌های ارزش‌ها و رفتار جمعیت آن جامعه قابل پیش‌بینی و مشاهده می‌شود (تسای و پنگ^۳، ۲۰۲۵: ۱۸۱).

نظریه تغییر ارزش‌ها^۴

اینگلهارت با طرح نظریه‌ی گذار از ارزش‌های مادی‌گرا به فرامادی‌گرا، تحول ارزش‌ها که در اثر توسعه اقتصادی در کشورهای پیشرفته صنعتی رخ می‌دهد، بر این اساس، نسل‌های جدیدتر که در شرایط امنیت اقتصادی و فیزیکی بالاتری پرورش یافته‌اند، بیشتر به ارزش‌هایی مانند آزادی بیان، برابری جنسیتی، کیفیت زندگی و خودشکوفایی تمایل پیدا می‌کنند. او جابجایی از اولویت‌های مادی به سمت اولویت‌های فرامادی را به‌طور بالقوه، فرایندی جهانی می‌داند؛ یعنی هر کشوری که از شرایط ناامنی اقتصادی به‌سوی امنیت نسبی حرکت می‌کند، الزاماً این فرایند در آن روی می‌دهد. او با اعتقاد به این استدلال که تفاوت میان اجتماعی شدن تکوینی جوانان اروپایی با بزرگسالان موجب شده تا جوان‌ترها اولویت نسبت بالایی برای آزادی و ابراز عقیده قائل شوند. با جایگزینی نسل جدید در آینده، نوعی جابجایی به‌سوی اولویت‌های ارزشی فرامادی روی خواهد داد. در نظریه اینگلهارت آن دسته از ارزش‌ها که حول نیازهای زیست‌شناختی و امنیتی است ارزش‌های مادی و آن دسته از ارزش‌ها که پیرامون نیازهای اجتماعی و خودشکوفایی است ارزش‌های فرامادی نامیده می‌شوند (تسای و پنگ^۵، ۲۰۲۵: ۱۸۷). این چارچوب به‌خوبی توضیح می‌دهد که چرا نسل‌های جوان‌تر در ایران ممکن است بر عاملیت فردی، کنشگری و تعریف شخصی از زنانگی تأکید دارند، درحالی که نسل‌های قدیمی‌تر تحت تأثیر شرایط پرریسگی‌تر، بر ارزش‌های امنیت، بقا و ایفای نقش‌های سنتی متمرکز بوده‌اند. این تغییر ارزش‌ها مستقیماً بر تعریف زنانگی تأثیر می‌گذارد.

نظریه گسست نسل‌ها^۶

دور شدن تدریجی دو یا سه نسل پیاپی با یکدیگر از حیث عاطفی، فکری و ارزشی وضعیت جدیدی را ایجاد می‌کند که گسست نسل‌ها نامیده می‌شود. این فاصله وقتی ایجاد می‌شود که تجربه‌ها، سبک زندگی و باورهای دو نسل آن قدر متفاوت باشد که هر کدام نتوانند دنیا را از زاویه دید دیگری ببینند. غالباً در این وضعیت نوجوانان و جوانان می‌کوشند آخرین پیوندهای

1. Bristow

2. Paul R. Abramson and Ronald Inglehart

3. Tsai & Peng

4. Theory of Value Change

5. Tsai & Peng

6. Generation Gap Theory

وابستگی خود از والدین را با نسل بالغ بگسلند و بیشتر در این راه به گردنکشی و طغیانگری می‌پردازند. از عوامل اصلی در ایجاد شکاف نسل‌ها می‌توان از پیشرفت‌های فناوری (سرعت از اینترنت و هوش مصنوعی گرفته تا شبکه‌های اجتماعی و ابزارهای دیجیتال)، تحولات فرهنگی و سبک‌های ارتباطی نام برد (توئنگه^۱: ۲۰۲۳: ۲۲۰). از مهم‌ترین زمینه‌های پیدایش گسست نسل‌ها می‌توان از به‌روز نبودن اطلاعات والدین، کاهش ارتباط کلامی، ناتوانی در انتقال ارزش‌ها، اختلال در فرآیند الگوسازی، عدم پذیرش تغییرات اجتماعی و عدم درک متقابل نام برد (توئنگه: ۲۰۲۳: ۵۲۷). در زمینه برساخت مفهوم زنانگی، گسست نسلی به این معنا است که درک سنتی مادر بزرگ‌ها و مادران از زنانگی که بر پایه نقش‌های خانوادگی و امنیت استوار است، با تعریف نسل جدید از زنانگی که بر عاملیت فردی، کنشگری اجتماعی و خودشکوفایی تأکید دارد، در تضاد قرار می‌گیرد. این شکاف، نه تنها در سطح خانواده که در تقابل با نهادهای سنتی-اجتماعی نیز بازنمایی می‌شود و برساخت معنای زن بودن را در هر نسل دگرگون می‌کند.

نظریه نقش اجتماعی

این نظریه، به بررسی نقش‌های اجتماعی و توقعات اجتماعی درباره رفتارها و وظایف زنان می‌پردازد. بر اساس این نظریه، نقش‌های اجتماعی باعث تشدید تفاوت‌های جنسیتی و نابرابری میان زنان و مردان می‌شوند. این نظریه نشان می‌دهد که نقش‌های اجتماعی و جنسیتی بر اساس توقعات اجتماعی و فرهنگی شکل می‌گیرند (وود و فیکسمر^۲: ۲۰۱۹: ۱۴۳). در جمع‌بندی نظریه‌های ارائه‌شده، می‌توان دریافت که مفهوم زنانگی در گذار نسل‌ها، برساختی پویا و متحول است. نظریه نسل‌های مانهایم توضیح می‌دهد که چگونه تجربیات مشترک و تاریخی متفاوت در دوره شکل‌گیری هویت، موجب پدیدارشدن واحدهای نسلی با ذهنیت‌های متمایز نسبت به زنانگی می‌شود. این تفاوت بنیادین، با مکانیسم جایگزینی نسلی در سطح جامعه گسترش‌یافته و نهادینه می‌شود. نظریه تغییر ارزش‌های اینگلهارت محتوای این دگرگونی را آشکار می‌سازد و نشان می‌دهد که چگونه گذار از ارزش‌های مادی (مانند امنیت و نقش‌های سنتی) به ارزش‌های فرامادی (مانند عاملیت فردی، برابری جنسیتی و خودشکوفایی)، تعریف زنانگی را از مفهومی مبتنی بر ایفای وظایف به مفهومی معطوف به کنشگری و هویت شخصی سوق می‌دهد. هنگامی که این تفاوت در تجربیات و ارزش‌ها به حدی عمیق گردد که گسست نسلی ایجاد کند، تقابل و بازتعریف فعالانه زنانگی از سوی نسل جوان تشدید می‌شود. در این میان، نظریه‌های تبعیض اجتماعی و نقش اجتماعی تأکید می‌کنند که این برساخت‌های نسلی در بستری از ساختارهای قدرت و انتظارات جنسیتی غالب رخ می‌دهد و نسل جدید با چالش هم‌زمان این ساختارها و تعاریف نسل پیشین، در حال شکل‌دهی به روایتی نوین از زنانگی است.

پیشینه پژوهش

مفهوم زنانگی به‌عنوان یک برساخت اجتماعی-فرهنگی، در مرکز مطالعات جنسیت و جامعه‌شناسی خانواده قرار دارد. پژوهش‌های داخلی و خارجی متعددی به بررسی ابعاد مختلف این مفهوم، تحولات آن و رابطه‌اش با نهادهای اجتماعی پرداخته‌اند. مرور نظام‌مند این تحقیقات، خلأها و نقاط تمرکز موجود در ادبیات موضوع را آشکار می‌سازد و جایگاه متمایز پژوهش حاضر را در واکاوی مقایسه‌ای و بین‌نسلی زنانگی مشخص می‌کند در ادامه تحقیقات پیشین در خصوص موضوع مورد مطالعه در ابعاد مختلف مرور شده است.

در مورد سیر تحول زنانگی در فضای عمومی و کنشگری اجتماعی در ایران؛ یک جریان پژوهشی قوی در ایران، بر بازتعریف زنانگی در مواجهه با فضاهای عمومی و کنشگری اجتماعی متمرکز است. برای نمونه، غفاری نسب و محمدتقی

1. Twenge

2. Wood & Fixmer

نژاداصفهانی (۱۴۰۰) در تحقیقی با عنوان «مصرف فضا و بازتعریف زنانگی؛ مطالعه تجربه کافه‌نشینی زنان در شیراز» نشان می‌دهند که چگونه کافه‌نشینی به عرصه‌ای برای بازتعریف زنانگی و تجربه عاملیت انتخاب و کنشگری تبدیل شده است. این یافته با فرهنگ و همکاران (۱۴۰۳) در تحقیقی با عنوان «زیست جهان متحول: مطالعه کیفی بازاندیشی جنسیتی دختران نسل زد» که به تحول زیست جهان و کنشگری تحول‌گرای دختران نسل زد اشاره دارد، هم‌سو است. همچنین پولاک^۱ (۲۰۱۸) با منظورکردن دو محور فضا و دیدگاه، در تحقیقی با عنوان «مدرنیته و فضاهای زنانگی» استدلال می‌کند که در دنیای مدرن فرآیند اجتماعی تعریف‌شده از فضای شهری بر اساس طبقه و جنسیت است و زنان تولیدکننده مدل‌های جایگزین در جامعه مدرن جهت توسعه فضاهای زنانگی می‌باشند. این دسته از پژوهش‌ها عمدتاً بر نسل جوان و تجارب نوین آنان تأکید دارند.

در مورد تعارض نقش‌ها و چالش‌های زنانگی در حوزه خصوصی؛ جریانی دیگر از پژوهش‌ها است که به تداوم فشارهای سنتی و بروز تعارض در حوزه خصوصی می‌پردازد. پژوهش دهقانی زاده و دیگران (۱۳۹۹) با عنوان «احساس گناه مادری: کاوشی کیفی بر اشتغال زنان در رابطه مادر-فرزندی» به برجسته‌بودن احساس گناه مادری و دوگانگی نقش در میان مادران شاغل اشاره می‌کند. به‌طور مشابه، معروف پور و سفیری (۱۳۹۷) در تحقیقی با عنوان «ارائه الگوی تعارض هویتی زنان» به تعارض هویتی زنان در ایفای نقش‌های سنتی و مدرن پرداخته‌اند. این تحقیقات، چالش‌های تداوم الگوهای زنانگی سنتی در زندگی مدرن را نمایان می‌سازند.

تحقیقات دیگری به مطالعات مقایسه‌ای بین‌نسلی و پایه‌های نظری زنانگی پرداخته‌اند رفعت‌جاه و رهبری (۱۳۹۳) در پژوهشی با عنوان «گونه‌شناسی اکتشافی برداشت از مفهوم زنانگی» اگرچه به گونه‌شناسی برداشت از زنانگی در گروه‌های قومی مختلف پرداختند، اما یافته‌هایشان درباره شاخص‌های مشترک زنانگی مانند نقش‌های مراقبتی و احساس‌محوری می‌تواند به‌عنوان پایه‌ای برای سنجش تحولات نسلی مورد استفاده قرار گیرد. در حوزه نظری نیز پژوهش‌هایی مانند کودورو^۲ (۲۰۲۳) در تحقیقی با عنوان «بازتولید مادری: روانکاوی و جامعه‌شناسی جنسیت» به تبیین روانکاوه-جامعه‌شناختی رابطه مادری و جنسیت پرداخته همچنین همیلتون، آرمسترانگ و سیلی^۳ (۲۰۱۹) در تحقیقی با عنوان «زنانگی‌های هژمونیک و سلطه‌ی میان‌برشی» بر هژمونی فرهنگی زنانگی و ابعاد قدرت درون آن تأکید دارند. این تحقیقات چارچوب‌های نظری غنی برای تحلیل برساخت زنانگی فراهم می‌کنند.

برخی از تحقیقات به نابرابری جنسیتی در نقش‌های مختلف اجتماعی و خانگی پرداخته‌اند پیکارد^۴ (۲۰۲۰) در تحقیقی با عنوان «منتظر ماندن مثل یک دختر در ساختار زمانی زنانگی به‌عنوان عاملی در نابرابری جنسیتی» به بررسی نقش زنان در زیربنای نابرابری جنسیتی در طول زمان می‌پردازد و معتقد است که باید در مقاطع مختلف؛ تغییرات جنسیتی را با جزئیات بیشتری از طریق قوم‌نگاری تجربه زیسته زنان در طول دوره زندگی بررسی کرد و می‌توان آن را «حلقه مفقوده» بین ساختارها، نهادها و فرهنگ‌های خرد ارائه کرده است. در همین راستا؛ بیرنه، فاتوم و دیاز گارسیا^۵ (۲۰۱۹) در تحقیقی با عنوان «الگوها و زنان کارآفرین: زن کارآفرین فوق‌العاده حرف خودش را می‌زند» با بررسی شکاف جنسیتی به‌ویژه در بین زنان کارآفرین به این نتیجه رسید که بازتولید کلیشه‌های جنسیتی غالب؛ عادی‌سازی رفتار تبعیض‌آمیز در محل کار و به تصویر کشیدن کارآفرینی به‌عنوان جایگزین مناسب برای مادران شاغل تعریف شده است.

در جمع‌بندی پیشینه‌ی تحقیق و تعیین جایگاه پژوهش حاضر می‌توان گفت که با وجود غنای پژوهش‌های موجود، چند خلأ عمده قابل‌شناسایی است. تمرکز تک‌نسلی در تحقیقات پیشین اکثر تحقیقات را معطوف به نسل جوان مانند نسل زد یا گروه‌های خاصی مانند مادران شاغل کرده است. پژوهش‌های تطبیقی که به‌طور هم‌زمان برداشت‌های سه نسل (دختران، مادران، مادر بزرگ‌ها) را در گفت‌وگو با یکدیگر بررسی کنند، بسیار نادر است. خلأ بعدی در تحقیقات پیشین اینکه پیوند

1. Pollock

2. Chodorow

3. Hamilton, Armstrong & Seeley

4. Pickard

5. Byrne, Fattoum & Diaz Garcia

ادراک کنشگران با نظریه، کمتر برقرار شده است؛ و در نهایت غفلت از بعد بین‌نسلی به عنوان یک عامل مستقیم تغییر اجتماعی. پژوهش‌هایی مانند پارسا کیا و همکاران (۱۴۰۲) در مقاله‌ای با عنوان «واکاوی علل و عوامل تفاوت میان دختران نسل زد با نسل‌های گذشته در ایران از منظر روانشناسی اجتماعی» بیان کرده‌اند که علل و عوامل تفاوت میان دختران نسل زد با نسل‌های گذشته در سه دسته اصلی علل زمینه‌ای، انفصال فرهنگی و عوامل فردی و درونی جای می‌گیرد؛ به «علل تفاوت نسل زد» پرداخته‌اند، اما نقش خود «روابط و انتقال بین‌نسلی» را به عنوان بستری که مفهوم زنانگی در آن بازتعریف می‌شود، به طور مستقیم موضوع مطالعه قرار نداده‌اند. پژوهش حاضر با عنوان «برساخت مفهوم زنانگی در گذار نسل‌ها» به طور مستقیم در پی اتخاذ یک رویکرد کیفی تطبیقی-بین‌نسلی، نه تنها به مقایسه درک سه نسل از زنانگی می‌پردازد، بلکه به تحلیل چگونگی شکل‌گیری این برداشت‌ها در تقابل و تعامل با یکدیگر در گذار نسل‌ها توجه دارد.

روشناسی

این تحقیق در پارادایم تفسیری، روش کیفی و با تکنیک تحلیل مضمون به شیوه‌های برساخت مفهوم زنانگی میان سه نسل متفاوت از زنان شهر کرمان پرداخته است. تحلیل تماتیک یکی از فنون تحلیلی مناسب در تحقیقات کیفی است که به طور گسترده‌ای استفاده می‌شود. محقق در تحلیل تماتیک با طبقه‌بندی داده‌ها و الگویابی درون-داده‌ای و برون-داده‌ای به یک سنخ‌شناسی تحلیلی دست می‌یابد و از طریق کدگذاری و تحلیل داده‌ها، الگوی داده‌ها را مشخص می‌کند تحلیل مضمون یا تحلیل تماتیک، روشی برای تجزیه و تحلیل داده‌های کیفی است (محمدپور، ۱۳۹۷: ۶۶).

با استفاده از روش تحلیل تماتیک، مفاهیم عمیق‌تر و تجربیات ذهنی زنان سه نسل درباره مفهوم زنانگی کشف شد. این روش کمک کرد تا به جای تمرکز بر اعداد و آمار، به معانی و تفسیرهای فردی مشارکت‌کنندگان پرداخته شود. تحلیل مضمون به محققان کمک می‌کند تا جنبه‌هایی از یک پدیده را که مشارکت‌کنندگان به طور مکرر یا عمیق درباره آن صحبت می‌کنند و راه‌هایی که آن جنبه‌های یک پدیده ممکن است به هم مرتبط شوند، درک کنند (هرزوغ، هاندکه و هیتزر، ۲۰۱۹: ۹۲).

مشارکت‌کنندگان در این تحقیق، زنان ساکن شهر کرمان از سه نسل هستند. نمونه‌گیری به صورت هدفمند و با معیار حداکثر تنوع (از نظر سن، تحصیلات، وضعیت اشتغال و تأهل) آغاز شد و تا رسیدن به اشباع نظری در هر نسل به صورت مستقل ادامه یافت. اشباع نظری زمانی حاصل شد که داده‌های جدید هیچ مضمون یا مفهوم جدیدی را آشکار نکرده و تنها به تأیید مضامین از پیش شناخته شده می‌پرداختند. روند رسیدن به اشباع نظری در هر نسل به شرح زیر بود که در نسل مادر بزرگ‌ها (متولدین ماقبل ۱۳۴۰) به دلیل همگونی و تشابه بسیار بالا در روایت‌ها و درک آنان از زنانگی؛ اشباع نظری پس از مصاحبه با ۶ نفر حاصل شد. در نسل مادران (متولدین دهه ۱۳۶۰-۱۳۵۰) با توجه به تنوع متوسط این نسل که در موقعیت گذار قرار داشتند، اشباع نظری پس از مصاحبه با ۱۰ نفر محقق گردید زیرا ادراک آنان از زنانگی تقریباً مشابه بود حتی در روش تربیت فرزندان همه گفتند که بخش زیادی از وقت خود را صرف موفقیت تحصیلی فرزندان خود کرده‌اند چون هدف غایی آنان در زندگی؛ پایگاه اجتماعی بالای فرزندان بوده است. در نسل دختران (متولدین دهه ۱۳۸۰-۱۳۷۰) به دلیل کثرت مفاهیم، پیچیدگی و ناهمگونی در دیدگاه‌ها و الگوهای زندگی، برای دستیابی به اشباع نظری، انجام مصاحبه با ۱۶ نفر ضروری بود زیرا به دلیل استفاده دائم این نسل از اینترنت و فضای مجازی؛ اطلاعات آنان از منابع مختلف کسب می‌شود و ادراک آنان از زنانگی از ابعاد متنوعی بیان شد که رسیدن به اشباع نظری با ۱۶ نفر حاصل شد. در نهایت اشباع نظری با ۳۲ مصاحبه از سه نسل حاصل شد.

میانگین سنی نسل دختران تقریباً ۲۳،۴ سال، نسل مادران ۴۳،۴ سال و نسل مادر بزرگ‌ها ۶۷،۲ سال است. ۴۳،۸٪ دختران شاغل، ۶۰٪ مادران شاغل و ۳۳،۳٪ مادر بزرگ‌ها بازنشسته هستند. میزان تحصیلات دختران از دیپلم تا فوق لیسانس،

مادران از سیکل تا فوق‌لیسانس و مادر بزرگ‌ها از بی‌سواد و ابتدایی تا سیکل و دیپلم متغیر است. از نظر وضعیت تأهل ۶۸٫۸٪ دختران مجرد، ۲۵٪ همسر دار و حدود ۶٪ مطلقه هستند. ۶۰٪ مادران همسر دار، ۱۰٪ مطلقه و ۲۰٪ بدون همسر در اثر فوت همسر می‌باشند. ۶۶٫۷٪ مادر بزرگ‌ها همسر دار و ۳۳٫۳٪ بدون همسر در اثر فوت همسر هستند.

داده‌ها از طریق مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته جمع‌آوری شدند. هر مصاحبه بین ۶۰ تا ۸۰ دقیقه طول کشید و با رضایت شرکت‌کنندگان ضبط شد. مصاحبه‌ها به صورت حضوری انجام شدند و هم‌زمان با ضبط، یادداشت‌برداری نیز صورت گرفت تا نکات کلیدی و واکنش‌های غیر کلامی ثبت شوند. در جدول شماره ۱ اطلاعات توصیفی مشارکت‌کنندگان به تفصیل آورده شده‌اند. مضمون‌های کلیدی در روایت‌ها، عبارات، نمادها یا ایده‌هایی ظاهر می‌شوند که چندین بار در داده‌ها تکرار و دیده شده‌اند، در این تحقیق کدگذاری به روش براون و کلارک انجام شد (براون و کلارک،^۱ ۲۰۲۳: ۶) و مراحل آن در تحقیق حاضر به شرح زیر است:

داده‌های این پژوهش با استفاده از تکنیک تحلیل مضمون به شیوه براون و کلارک (۲۰۲۳) و در شش مرحله نظام‌مند مورد تحلیل قرار گرفت. برای اطمینان از صحت فرآیند، تم‌های اصلی توسط دو پژوهشگر آشنا با روش‌شناسی کیفی به صورت مستمر بازبینی و مورد بحث قرار گرفت تا به اجماع برسند. مراحل تحلیل به شرح زیر بود:

- مرحله اول آشنایی با داده‌ها: در گام نخست، تمامی مصاحبه‌ها پیاده‌سازی و سپس چند بار با دقت مطالعه شد تا عمق و جزئیات داده‌ها کاملاً مشخص شوند و هم‌زمان، یادداشت‌های اولیه برای ایده‌های اولیه ثبت گردید.
- مرحله دوم تولید کدهای اولیه: در این مرحله، متن مصاحبه‌ها به بخش‌های معنادار کوچک‌تری تقسیم و برای هر بخش، کدهای توصیفی اولیه تولید شد. این کدها تا حد امکان به زبان خود مشارکت‌کنندگان نزدیک بودند.
- مرحله سوم جستجو برای مضمون‌ها: در این گام، کدهای اولیه مشابه و مرتبط در کنار یکدیگر دسته‌بندی شدند تا مضمون‌های اولیه و بالقوه شکل گیرند.
- مرحله چهارم بازبینی و اصلاح مضمون‌ها: در این مرحله، مضمون‌های شناسایی شده با بازگشت مجدد به کل داده‌ها و نیز کدهای اولیه به دقت بازبینی شدند. این پرسش‌ها مطرح شد: آیا همه کدهای مرتبط در مضمون حاضر هستند؟ آیا مضمون تعریف روشنی دارد؟ آیا مضامین باهم همپوشانی دارند؟ در نهایت، برخی مضامین ادغام، برخی حذف و برخی بازتعریف شدند.
- مرحله پنجم تعریف و نام‌گذاری نهایی مضمون‌ها: برای هر مضمون، یک تعریف واضح و دقیق نوشته شد و نامی گویا برای آن انتخاب گردید. در این مرحله، مضمون اصلی، مضمون فرعی و مفاهیم به‌طور نهایی تعیین شد.
- مرحله ششم تهیه گزارش نهایی: در نهایت، از یافته‌های تحلیل شده، یک گزارش منسجم و تحلیلی تهیه شد که در این مقاله ارائه گردیده است.

مضمون نهایی برای نسل دختران «زنانگی به مثابه کنشگری و استقلال»، برای نسل مادران «زنانگی به مثابه زن توانمند در جامعه و خانواده» و برای نسل مادر بزرگ‌ها «زنانگی به مثابه مادر-همسر حافظ فرهنگ و سنت» حاصل شد. برای افزایش اعتماد روش‌های متعددی وجود دارد از جمله روش لینکلن و گوبا^۲ (۱۹۸۵) که تکنیکی برای اعتبار سنجی در تحقیقات کیفی بر اساس چهار معیار قابلیت اعتبار^۳، قابلیت ثبات^۴، تائیدپذیری^۵ و قابلیت انتقال‌پذیری^۶ تحقیق است. علاوه بر این روش همچنین روش‌های دیگری چون ضریب پایایی توافق درصدی، ضریب پایایی درون طبقه و موارد دیگر نیز وجود دارند (انور و^۷ ۲۰۲۳: ۳۷۳). برای افزایش «اعتمادپذیری» تحقیق چهار معیار اصلی مذکور در این تحقیق به طور دقیق رعایت شدند.

قابلیت/اعتبار: برای اطمینان از صحت داده‌ها، از تکنیک بازبینی توسط مشارکت‌کنندگان^۱ استفاده شد. به این صورت که نتایج اولیه تحلیل به برخی از شرکت‌کنندگان ارائه شد و نظرات آن‌ها برای اصلاح یا تأیید یافته‌ها مورد استفاده قرار گرفت. **قابلیت ثبات:** برای اطمینان از ثبات فرآیند تحقیق، تمام مراحل کدگذاری و تحلیل به‌طور دقیق مستندسازی شدند. همچنین، از یادداشت‌های میدانی استفاده شد تا اطمینان حاصل شود که تفسیر داده‌ها بر اساس زمینه و شرایط مصاحبه‌ها انجام شده است.

تأیید‌پذیری: برای کاهش سوگیری‌های محقق، از روش مثلث‌سازی^۲ استفاده شد. به این صورت که داده‌ها از طریق مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته، یادداشت‌های میدانی و بازبینی توسط مشارکت‌کنندگان جمع‌آوری و تحلیل شدند. **قابلیت انتقال‌پذیری:** برای افزایش قابلیت انتقال‌پذیری، توصیف دقیقی از ویژگی‌های شرکت‌کنندگان (سه نسل زنان) و فرآیند تحقیق ارائه شد تا دیگر محققان بتوانند در صورت لزوم، یافته‌ها را به زمینه‌های مشابه تعمیم دهند.

جدول شماره ۱: مشخصات مشارکت‌کنندگان دختران نسل z

ردیف	سن	نوع نسل	تحصیلات	رشته تحصیلی	وضعیت اشتغال	وضعیت تأهل	قشر اجتماعی
۱	۲۳	دختر/نسل z	لیسانس	مهندسی پزشکی	شاغل	مطلقه	۱
۲	۲۱	دختر/نسل z	لیسانس	مهندسی پزشکی	بیکار	مجرد	۲
۳	۲۰	دختر/نسل z	لیسانس	جامعه‌شناسی	بیکار	مجرد	۲
۴	۲۲	دختر/نسل z	لیسانس	هنر	بیکار	مجرد	۳
۵	۲۲	دختر/نسل z	دیپلم	تجربی	شاغل	مجرد	۳
۶	۱۸	دختر/نسل z	دیپلم	انسانی	بیکار	مجرد	۵
۷	۲۰	دختر/نسل z	کاردانی	عکاسی	شاغل	همسردار	۳
۸	۱۹	دختر/نسل z	دیپلم	انسانی	بیکار	مجرد	۵
۹	۲۸	دختر/نسل z	فوق لیسانس	زبان انگلیسی	شاغل	مجرد	۲
۱۰	۳۰	دختر/نسل z	فوق لیسانس	مطالعات زنان	بیکار	همسردار	۳
۱۱	۲۱	دختر/نسل z	کاردانی	هوشبری	شاغل	مجرد	۳
۱۲	۲۲	دختر/نسل z	لیسانس	فیزیک	بیکار	مجرد	۲
۱۳	۳۱	دختر/نسل z	فوق لیسانس	ریاضی	بیکار	مجرد	۴
۱۴	۲۵	دختر/نسل z	لیسانس	روان‌شناسی	بیکار	همسردار	۳
۱۵	۲۴	دختر/نسل z	دیپلم	انسانی	شاغل	همسردار	۴
۱۶	۲۸	دختر/نسل z	فوق لیسانس	حقوق	شاغل	مجرد	۱

جدول شماره ۲: مشخصات مشارکت‌کنندگان مادران نسل y

ردیف	سن	نوع نسل	تحصیلات	رشته تحصیلی	وضعیت اشتغال	وضعیت تأهل	قشر اجتماعی
۱	۵۰	مادر/نسل y	دیپلم	تجربی	بیکار	همسردار	۵
۲	۵۱	مادر/نسل y	سیکل	-	بیکار	همسردار	۵
۳	۴۰	مادر/نسل y	کاردانی	کودک‌داری	شاغل	مطلقه	۴
۴	۴۵	مادر/نسل y	دیپلم	انسانی	بیکار	همسردار	۴
۵	۵۲	مادر/نسل y	لیسانس	مدیریت	شاغل	همسردار	۳
۶	۴۲	مادر/نسل y	فوق لیسانس	زمین‌شناسی	بیکار	همسردار	۴
۷	۳۷	مادر/نسل y	دیپلم	تجربی	شاغل	همسردار	۴
۸	۳۸	مادر/نسل y	لیسانس	حسابداری	شاغل	همسردار	۲
۹	۳۹	مادر/نسل y	فوق لیسانس	حسابداری	شاغل	همسر فوت شده	۳
۱۰	۴۰	مادر/نسل y	فوق لیسانس	کشاورزی	شاغل	همسر فوت شده	۱

1. Member Checking
2. Triangulation

جدول شماره ۳: مشخصات مشارکت‌کنندگان مادر بزرگ‌ها نسل X

ردیف	سن	نوع نسل	تحصیلات	رشته تحصیلی	وضعیت اشتغال	وضعیت تأهل	قشر اجتماعی
۱	۸۰	مادر بزرگ/نسل x	بی‌سواد	-	بیکار	همسر فوت‌شده	۴
۲	۵۸	مادر بزرگ/نسل x	دیپلم	تجربی	بازنشسته	همسر دار	۱
۳	۶۳	مادر بزرگ/نسل x	ابتدایی	نهضت	بیکار	همسر دار	۳
۴	۷۷	مادر بزرگ/نسل x	بی‌سواد	-	بیکار	همسر فوت‌شده	۴
۵	۶۵	مادر بزرگ/نسل x	ابتدایی	ابتدایی	بیکار	همسر دار	۵
۶	۶۰	مادر بزرگ/نسل x	سیکل	سیکل	بازنشسته	همسر دار	۱

یافته‌های پژوهش

پژوهش حاضر باهدف واکاوی برساخت مفهوم زنانگی در میان سه نسل از زنان کرمانی انجام شد. یافته‌ها؛ مضامین متمایز نهایی را آشکار کرد که نشان از یک تحول پارادایمی در درک مفهوم زنانگی دارد. در این بخش، یافته‌ها در گفت‌وگوی مستقیم با چارچوب تحلیلی یکپارچه متشکل از نظریه‌های نسل (مانهایم)، تغییر ارزش‌ها (اینگلهارت)، جایگزینی نسلی و گسست نسلی قرار می‌گیرند تا معنای عمیق‌تر این تحولات تبیین گردد. مشارکت‌کنندگان از بین سه نسل دختران و مادران و مادر بزرگ‌های شهر کرمان با روش نمونه‌گیری هدفمند انتخاب شدند. پس از تحلیل نهایی داده‌ها، برساخت نسل دختران از زنانگی به‌مثابه «کنشگری و استقلال»، برساخت نسل مادران از زنانگی به‌مثابه «توانمندی در جامعه و خانواده» و برساخت نسل مادر بزرگ‌ها از زنانگی به‌مثابه «مادر-همسر حافظ فرهنگ و سنت» حاصل شد.

برساخت زنانگی در نسل دختران: زن کنشگر و مستقل

در این پژوهش منظور از نسل دختران، دختران متولدین دهه ۱۳۸۰-۱۳۷۰ است که با توجه به تغییرات فرهنگی، اجتماعی و فناوری، دختران نیز تحت تأثیر قرار گرفته‌اند و در مصاحبه‌ها ویژگی‌های خاصی از آنان دریافت شد که الگوهای عمومی هستند. برساخت نسل دختران از مفهوم زنانگی مجموعه‌ای از «کنشگری و استقلال» است که مطابق با مفهوم زنانگی در جوامع مدرن است. دختران کنشگران عرصه سیاسی، اجتماعی و فرهنگی هستند آنان در گروه‌ها و شبکه‌های اجتماعی فعالیت می‌کنند، حضور فعال در عرصه عمومی و رسانه‌های دیجیتال دارند و با برقراری ارتباط قادرند در محیط‌های چندفرهنگی و چندنژادی به‌خوبی همکاری کنند. دختران خواستار تقسیم عادلانه کار خانگی هستند و با توازن کار-زندگی تمایل دارند تا تعادلی مناسب بین کار و زندگی شخصی خود داشته باشند و اگر بخواهند نقش مادر و همسر را تجربه کنند؛ تعریف جدیدی از مادری دارند و خواسته‌ها و علائق شخصی خود را در اولویت قرار می‌دهند و نقش مادری را از هویت فردی تفکیک می‌کنند (فلاحی، ۱۳۹۵: ۴۵). نسل دختران گفته‌اند که کنشگران فعالی هستند؛ زیرا معتقدند می‌توانند نقشی فعال و مؤثر در جامعه و محیط کار خود داشته باشند و در کارگروهی و محیط‌های تیمی می‌توانند موفقیت بیشتری کسب کرد، آنان در شرایط پرتلاطم زندگی کرده‌اند و به تغییر و تلاش عادت دارند، همچنین در فعالیت‌های مرتبط با حقوق زنان و نقش زنان در رهبری فعالیت می‌کنند. دختران گفته‌اند که در فضای مجازی با رشد پیشرفت فناوری و ارتباطات، رسانه‌ها به‌عنوان یک قسمت مهم از زندگی روزمره آن‌ها می‌باشد و از رسانه‌ها به‌عنوان یک منبع اطلاعات، سرگرمی و ارتباط با دیگران استفاده می‌کنند یا از رسانه‌ها برای بیان نظرات و دیدگاه‌های خود استفاده می‌کنند و به‌عنوان یک ابزار برای تغییر اجتماعی و تأثیرگذاری در مسائل اجتماعی از آن استفاده می‌کنند.

برساخت زنانگی در نسل دختران به‌مثابه «کنشگری و استقلال»، یک گسست پارادایمی با دو نسل پیشین را نشان می‌دهد که برای تحلیل آن، نظریه گسست نسلی و ارزش‌های فرامادی اینگلهارت کلیدی هستند. این نسل در یک زیست‌جهان کاملاً متفاوت، متأثر از جهانی‌شدن، انفجار اطلاعات دیجیتال و گفتمان‌های مسلط حقوق فردی و برابری طلبی شکل گرفته‌اند. برای آنان، زنانگی یک پروژه هویتی بازاندیشانه است که باید به‌طور فعال، آگاهانه و شخصی طراحی و اجرا شود. تأکید قاطع بر «استقلال مالی» به‌عنوان یک اصل بنیادین، دیگر صرفاً یک استراتژی اقتصادی نیست، بلکه ابزار تحقق

«اختیار» و «عاملیت فردی» است. «بازتعریف مادری» به‌عنوان یک انتخاب و نه یک جبر، همچنین مطالبه «تقسیم عادلانه کار خانگی»، به چالش کشیدن خود بنیان‌های نظام جنسیتی سنتی است. این نسل با کنشگری در فضای مجازی (جایاتی‌سا، ۲۰۲۳)، در حال خلق گفتمان جدیدی از زنانگی هستند. از منظر نظریه گسست نسلی (توئنگه، ۲۰۲۳)، سرعت تحولات به حدی بوده که «تجربه مشترک نسلی» آنان با نسل‌های پیشین اشتراک بنیادینی ندارد. این امر منجر به یک شکاف معرفت‌شناختی شده است؛ درک آنان از مفاهیمی چون بدن، ازدواج و خانواده در گفتمان‌هایی شکل گرفته که برای نسل قبلی اغلب نامأنوس است؛ بنابراین، آنچه به‌عنوان سرکشی یا بی‌احترامی از سوی نسل قدیم تفسیر می‌شود، از دید این نسل، تنها بازتعریف جهان و پیگیری یک زندگی اصیل بر اساس معیارهای خودشان است. در ادامه به مؤلفه‌های اصلی حاصل از تحلیل مصاحبه‌های نسل دختران همراه با نمونه‌هایی از مصاحبه‌ها اشاره می‌شود.

■ **برابری جنسیتی:** مفهوم برابری جنسیتی به ایجاد تساوی فرصت‌ها، حقوق و آزادی‌ها بین زنان و مردان اشاره دارد. زنان جوان و جهان‌بینی مدرن، به دنبال تغییر و گسترش مفهوم جنسیت و نقش‌های جنسیتی در جامعه هستند (لوربر، ۲۰۱۰: ۹۶). نسل دختران با بازتعریف هویت جنسیتی گفته‌اند که در ایران با این که برخی از قوانین و سیاست‌ها در راستای برابری جنسیتی تدوین شده‌است؛ اما همچنان برخی چالش‌ها و موانع برای دستیابی به برابری جنسیتی وجود دارد، آنان به دنبال برابری در حقوق مالکیت، اشتغال، آموزش، سلامت و دسترسی به خدمات، پایان تبعیض جنسیتی عمومی هستند و به تقویت نقش و حضور زنان در تصمیم‌گیری‌های اجتماعی، سیاسی و فرهنگی اهمیت می‌دهند، به مبارزه با خشونت علیه زنان متعهد هستند و تغییر نگرش‌ها و آگاهی درباره برابری جنسیتی از طریق تعلیم و تربیت و رسانه‌ها را در جامعه ضروری می‌دانند.

- **نقل قول:** «من در محل کارم تونستم به همه همکارانم آگاهی بدهم که تبعیض شغلی بین زن و مرد نیست البته موارد قانونی باید رعایت بشه من قبول دارم. تو خانواده بعضی پدر و مادرها بین پسر و دختر فرق می‌ذارن این چیزها رو همیشه فرهنگ‌سازی کرد الان ما به فکر تغییر ایده‌های سنتی در مورد نقش‌های زن و مرد هستیم.» (کد ۵)

■ **نقش مادری:** نسل دختران از نقش مادری بازتعریف داشتند که مبتنی بر تحول در فهم و قابلیت قبول نقش مادری است. در گذشته، نقش مادری به‌طور معمول به‌عنوان مرتبط شدن با باروری و تربیت و نگهداری فرزندان در محدوده خانه و خانواده تعریف می‌شد؛ اما بازتعریف نقش مادری به معنای ترک این دیدگاه محدود و شناخت نقش مادری به‌عنوان یک تجربه فردی و اجتماعی گسترده‌تر است (صادقی و شهابی، ۱۳۹۸: ۱۰۰). نسل دختران تفکرات جدید درباره نقش مادری، مفهومی‌هایی مانند «مادری آگاه»، «مادری مدرن» و «مادری متنوع» را مطرح کرده‌اند و به دنبال شکستن ایده‌های ثابت و سنتی در مورد نقش مادری در جامعه هستند. آنان معتقدند نقش مادری یک طیف گسترده‌تر از تربیت و نگهداری فرزندان است و هر زن می‌تواند نقش مادری خاص خود را داشته باشد. این ایده‌آل برای ایجاد جامعه‌ای است که تفاوت‌ها و تنوع را قبول کرده و از تبعیض نسبت به نقش مادری جلوگیری کند.

- **نقل قول:** «من به دختر دارم و تصمیم گرفتم اطلاعات لازم در مورد تربیت، بهداشت، شناخت نیازها و خواسته‌های دخترم را از طریق مطالعه و رسانه‌ها به دست بیارم اما همیشه برای همه یه نسخه پیچید به نظر من هر مادری به تناسب شرایط خودش و روحیات بچه‌اش باید روش خودش را داشته باشه.» (کد ۱۰)

■ **نقش اجتماعی:** دختران اظهار داشتند که می‌توانند نقش‌های متنوعی را ایفا کنند. این نقش‌ها شامل نقش خانوادگی، اجتماعی اقتصادی و سیاسی می‌شود همچنین با اعتماد به نفس بالا گفته‌اند که می‌توانند در حوزه‌های مختلف از جمله فعالیت‌های فرهنگی، هنری، آموزشی و سایر زمینه‌ها در جامعه شرکت کنند و به تحقق تغییرات و پیشرفت‌های اجتماعی و فرهنگی کشور کمک کنند؛ زیرا دختران معتقدند که توانمندی‌ها و امکانات بیشتری برای مشارکت فعال در جامعه دارند و می‌توانند منزلت بالایی در جامعه ایفا کنند.

- نقل قول: «من از دیپلم تا الان که فوق‌لیسانس دارم همیشه استقلال مالی داشتم و در مشاغل مختلف مشغول بودم. با تمام سلول‌های وجودم قبول دارم که خواستن؛ توانستن است و تا الان به هر شغلی که اراده کرده‌ام رسیده‌ام. به نظر من مشارکت اجتماعی زنان محدودیت نداره البته ممکنه در ایران رسیدن به هدف کمی سخت باشه ولی غیرممکن نیست.» (کد ۹)

■ تقسیم کار خانگی: در تقسیم کار خانگی هنوز بار زیادی بر دوش زنان قرار دارد از جمله خانه‌داری و مراقبت از خانواده اما در سال‌های اخیر، با تغییر نگرش‌ها و افزایش آگاهی درباره برابری جنسیتی، برخی از خانواده‌ها به تقسیم کار خانگی بین همسران بیشتر توجه می‌کنند. دختران معتقدند که تقسیم کار خانگی باید برابر و عادلانه باشد، آن‌ها معتقدند که این تقسیم باید بر اساس توانایی‌ها، علاقه‌ها و ظرفیت‌های هر فرد تعیین شود و جنسیت نباید به‌تنهایی عامل تعیین‌کننده باشد.

- نقل قول: «من متأهل هستم؛ اما از همان روز اول آشپزی شوهرم از من بهتر بود قرار شد آشپزی با اون باشه. کلاً کارها را دوستانه تقسیم کردیم و توافقی هست. تو خونه تقریباً همه کارها را مساوی انجام می‌دیم چون هر دو شاغل هستیم و باید باهم رفیق باشیم تا از زندگی خسته نشیم.» (کد ۷)

■ مشارکت در بازار کار: زنان در حال حاضر در حوزه‌های مختلف اقتصادی و بازار کار فعالیت می‌کنند و با افزایش تحصیلات و آگاهی زنان، مشارکت آن‌ها در بازار کار افزایش یافته است. مشارکت در بازار کار به زنان امکان مستقل شدن مالی و اقتصادی را می‌دهد زنان باید از حقوق و فرصت‌های مساوی در بازار کار برخوردار باشند (هادی‌پور و دیگران، ۱۳۹۹: ۱۵۱). دختران معتقدند که زنان باید به‌طور مساوی با مردان در تمام زمینه‌های شغلی حضور داشته باشند و هدف باید توسعه جامعه باشد؛ اما موانعی که برای پیشرفت زنان در محیط کار وجود دارد تا از رسیدن زنان به سطوح بالاتر سلسله‌مراتب سازمانی جلوگیری کنند، باید برداشته شوند.

- نقل قول: «من برای ارتقای شغلی خیلی تلاش کردم حتی برای شغلم از زندگی خودم گذشتم و طلاق گرفتم؛ اما آقایان همکارم برای این‌که من مدیر ارشد نشوم خیلی مشکل برام درست کردند.» (کد ۱)

■ تعامل اجتماعی- رسانه: دختران اظهار داشتند که از قدرت رسانه‌ها برای تغییر اجتماعی و ارتقای مساوات جنسیتی استفاده می‌کنند همچنین گفتند که تعامل اجتماعی با خانواده، دوستان و جامعه نیز نقش مهمی در شکل‌گیری هویت و رفتار آنان دارد.

- نقل قول: «الان زنان تو فضای مجازی یا تعامل باهمدیگه تجربیات مختلف خودشون را به اشتراک می‌ذارن حتی مسائلی مثل آزار جنسی، تعرض و تبعیض جنسی را به هم می‌گن که برای همه خیلی مفیده یا دتونه چند سال قبل به چیزی به اسم می‌تو خیلی‌ها رو رسوا کرد.» (کد ۳).

جدول شماره ۵. مفاهیم، مضامین اصلی و فرعی در بین نسل مادران

مفاهیم	مضمون فرعی	مضمون اصلی
- تلاش برای تحقق برابری در قالب نقش مذهبی و سنتی	نابرابری اجتماعی	برابری جنسیتی
- اعتراض به نابرابری‌های ساختاری		
- تمرکز بر مراقبت عاطفی و آموزش و پرورش فرزندان	نقش مراقبتی	نقش مادری
- مسئولیت‌پذیری برای ایجاد محیطی امن		
- مشارکت اجتماعی باهدف خدمت به جامعه و خانواده	نقش حمایتی	نقش اجتماعی
- تأکید بر توانمندسازی زنان از طریق نهادهای موجود		
- تقسیم کار بر اساس نقش‌های جنسیتی (مادر-همسری)	کار برای زندگی	تقسیم کار خانگی
- پذیرش بار اصلی مسئولیت‌های خانگی		
- اهمیت استقلال مالی و ارزش اقتصادی کار	اشتغال و زندگی تجملی	مشارکت در بازار کار
- اشتغال، مکملی برای نقش‌های خانوادگی		
- تعامل اجتماعی با خویشاوندان و دوستان نزدیک	نیمه فعال	تعامل اجتماعی- رسانه
- استفاده نیمه فعال و مصرف‌گرایانه از رسانه سنتی و نوین		

برساخت زنانگی در نسل مادران: زن توانمند در جامعه و خانواده

در این تحقیق نسل مادران شامل متولدین دهه ۱۳۶۰-۱۳۵۰ می‌باشند. بر اساس تحلیل داده‌های برگرفته از مصاحبه‌های انجام‌شده؛ نسل مادران نقش بسیار مهمی در جامعه و خانواده دارند و توانمندی‌های خاصی را دارند. نسل مادران هم در جامعه و هم در خانواده خود را توانمند می‌دانند. مادران نابرابری‌های اجتماعی را همراه با تلاش برای توانمندسازی پذیرفته‌اند. مادران نقش سنتی مادری را با اشتغال ترکیب کرده‌اند و می‌توانند نقش بسیار مهمی در تربیت نسل‌های آینده و توسعه اجتماعی ایفا کنند. مادران با توجه به مراحل مختلف رشد و توسعه کودکان، تأثیر بسزایی در شخصیت‌سازی و تربیت اخلاقی و اجتماعی آن‌ها دارند. آن‌ها می‌توانند به‌عنوان مربیان، الگوها و مشاوران کودکان عمل کنند و به توسعه اجتماعی و روانی کودکان کمک کنند. در خانواده، مادران نقش محوری در تأسیس و حفظ ارتباطات خانوادگی، مدیریت خانه و مراقبت از اعضای خانواده ایفا می‌کنند و نقش مراقبتی دارند. آن‌ها همچنین می‌توانند بستری امن و محافظت‌کننده برای فرزندان خود فراهم کنند و به تأمین نیازهای روحی و جسمی-روانی آن‌ها اهمیت بدهند. نسل مادران استفاده محتاطانه از رسانه‌های جمعی دارند (آذر و نوحی، ۱۳۹۹: ۲۸۴).

مضمون نهایی نسل مادران، یعنی «زن توانمند در جامعه و خانواده»، تصویر یک «نسل گذار و منعطف» را ترسیم می‌کند که در میانه سنت و مدرنیته قرار دارد. این نسل، مطابق با نظریه مانهایم، در دوره‌ای از «موقعیت دوگانه اجتماعی» شدند که شاهد اولین موج گسترده مدرنیزاسیون، جنگ و گشایش‌های نسبی آموزشی و شغلی برای زنان بودند. از منظر نظریه تغییر ارزش‌های اینگلههارت، آنان در آستانه گذار از «ارزش‌های مادی» (امنیت ناشی از نقش‌های سنتی) به «ارزش‌های فرامادی» (خودشکوفایی و استقلال) قرار گرفتند (تسای و پنگ، ۲۰۲۵). این موقعیت بینابینی، منجر به برساخت یک استراتژی پیچیده برای کفایت دوگانه شد. آنان نه می‌توانستند و نه لزوماً می‌خواستند نقش سنتی نسل قبل را به‌طور کامل رد کنند، اما هم‌زمان جذب امکان‌های جدید حضور اجتماعی و اقتصادی شده بودند. این تلاش برای تلفیق، آنان را در شرایط تعارض نقش قرار داد (وود و فیکسمر، ۲۰۱۹). از این منظر، توانمندسازی آنان نه لزوماً یک طغیان آگاهانه، بلکه غالباً پاسخی ضروری به تغییرات جامعه بود. این نسل، پل ارتباطی بین دو جهان‌نگری کاملاً متفاوت هستند و بار اصلی مدیریت تنش‌های ناشی از این گذار شتابان را بر دوش کشیده‌اند. در ادامه به مؤلفه‌های اصلی حاصل از تحلیل مصاحبه‌های نسل مادران همراه با نمونه‌هایی از مصاحبه‌ها اشاره می‌شود.

■ **برابری جنسیتی:** نسل مادران به دلایل فرهنگی، مذهبی یا سایر عوامل، نظریات متفاوتی درباره برابری جنسیتی دارند. برخی از آنان می‌خواهند که فرزندانشان (از جنس مخالف) فرصت‌ها و حقوق برابر در جامعه داشته باشند؛ زیرا برای خودشان برابری اجتماعی نبوده است؛ اما برخی دیگر ترجیح می‌دهند سنت‌ها و ارزش‌های متمایز بین جنسیت‌ها را حفظ کنند.

- نقل قول: «همیشه تفاوت‌هایی بین پسر و دختر هست و من معتقدم که این تفاوت‌ها نه به اون شکل افراطی که در دوره ما بود اما تا حدی باید رعایت شود.» (کد ۱۹)

■ **نقش مادری:** مادران معمولاً اهمیت زیادی به خانواده و نقش مادری می‌دهند و به‌عنوان مادران مهربان به مراقبت، تربیت و تحصیلات فرزندان خود اهمیت می‌دهند. آنان بر ارتباط نزدیک و احترام با فرزندان، انتقال ارزش‌های فرهنگی و اخلاقی و استفاده از فناوری در تربیت فرزندان خود تأکید دارند.

- نقل قول: «من به‌خاطر بچه‌هام بالینکه فوق‌لیسانس داشتم اما سرکار نرفتم و تمام‌وقت‌م را برای دو تا بچه‌ام صرف کردند تا اونا خوب بار بیایند و موفق باشند.» (کد ۲۲)

■ **نقش اجتماعی:** نسل مادران برای حمایت از خانواده نقش اجتماعی دارند و تأثیر قابل‌توجهی بر زندگی افراد و جامعه اطرافشان دارند. آن‌ها نقش اجتماعی را متناسب با وظایف خانوادگی و مراقبت از فرزندان می‌پذیرند تا هم‌زمان مشارکت در امور جامعه و ارتباطات اجتماعی نیز داشته باشند.

- نقل قول: «من با این‌که شاغل بودم اما تربیت و مراقبت از بچه‌هام همیشه اولین دغدغه من بود ولی در محل کار هم خیلی فعال بودم تا جایی که رئیس شعبه بانک شدم ولی کلاً هدفم کمک به اقتصاد خانواده بود» (کد ۲۴)

■ تقسیم‌کار خانگی: مادران شاغل باید وظایف خود در خانه را نیز انجام بدهند و کمتر همکاری شوهران خود در کارهای خانه را دارند (سانچز، میرا، ۲۰۲۴: ۱۲۱۱). در این تحقیق نیز با این‌که مادران تمایل دارند که تقسیم‌کار در خانه بین زن و مرد به‌طور مساوی و بر اساس همکاری و انعطاف‌پذیر باشد؛ اما اظهار کرده‌اند که بیشتر وظایف درون خانه بر عهده‌ی آنان بوده است.

- نقل قول: «شوهرم خدا رحمتش کنه اگر هم می‌خواست در امور خونه به من کمک کنه نمی‌تونست یعنی بلد نبود من معلم بودم. هم کار بیرون داشتم هم بیشتر کارای خونه با خودم بود خیلی برام سخت بود» (کد ۲۵)

■ مشارکت در بازار کار: نسل مادران طرفدار زندگی تجملاتی هستند و مشارکت در بازار کار را برای تأمین این زندگی تجملی برای خود لازم می‌دانستند همچنین مادران شاغل در مواجهه با چالش‌های اشتغال در رابطه مادر-فرزند از راهبردهای مثبت استفاده کرده‌اند و توانمندی خود را برای حضور هم‌زمان در جامعه و خانواده بالا برده‌اند.

- نقل قول: «من با این‌که فقط دیپلم داشتم اما رفتم سر کار تو اداره مخابرات چون زمان ما زندگی‌ها داشت تجملاتی می‌شد و به حقوق جواب نمی‌داد می‌خواستم کمک خرج باشم» (کد ۲۳)

■ تعامل اجتماعی-رسانه: استفاده محتاطانه از رسانه‌های جمعی یعنی نسل مادران توانایی تعامل اجتماعی با خویشتن و دوستان خود را دارند و می‌توانند از روش‌های مختلف برای برقراری ارتباط استفاده کنند. این ارتباطات می‌تواند از طریق روزنامه، مجله، تلویزیون و رادیو صورت بگیرد که این رسانه‌ها به‌طور سنتی به‌عنوان منابع اصلی اطلاعات و اخبار مورد استفاده قرار می‌گیرند. آنان می‌توانند در یکی از شبکه‌های اجتماعی فعالیت کنند که امروزه ابزارهای مهمی برای برقراری و حفظ ارتباطات اجتماعی هستند.

- نقل قول: «من از بعد فوت همسر خیلی احساس تنهایی می‌کنم با اقوام و دوستان ارتباط بیشتری دارم شبکه‌های مجازی هم عضو هستم ولی فقط در روبیکا هستم» (کد ۲۶)

برساخت زنانگی در نسل مادر بزرگ‌ها: زن مادر-همسر حافظ فرهنگ و سنت

متولدین ماقبل ۱۳۴۰ شامل نسل مادر بزرگ‌ها هستند که بر اساس تحلیل داده‌های برگرفته از مصاحبه‌های انجام‌شده؛ نسل مادر بزرگ‌ها با اعتقاد به زنانگی مبتنی بر ایثار و فرمان‌برداری؛ حافظ فرهنگ و سنت‌های خانوادگی هستند و تمایل به تفکر سنتی و رعایت ارزش‌ها و قوانین قدیمی دارند، برابری جنسیتی را به دلیل مردسالاری غالب نفی می‌کنند، به‌سلامتی و آرامش خود و خانواده‌شان اهمیت می‌دهند، به‌عنوان نمادهای اخلاقی و ارزش‌های بنیادین در خانواده شناخته‌شده‌اند، حضور اجتماعی را محدود به ارتباطات خانوادگی می‌دانند، شنیدن و درک نیازهای افراد خانواده و تعهد به خانه و خانه‌داری را وظیفه خود می‌دانند و به تقسیم‌کار جنسیتی سخت‌گیرانه معتقدند.

برساخت زنانگی در نسل مادر بزرگ‌ها به‌مثابه «مادر-همسر حافظ فرهنگ و سنت»، به بهترین وجه در چارچوب نظریه نسل‌های مانهایم (بريستو، ۲۰۲۴) و ارزش‌های مادی اینگلهارت (تسای و پنگ، ۲۰۲۵) قابل‌درک است. این نسل در یک «موقعیت اجتماعی-تاریخی» خاص پرورش یافتند که در آن، امنیت اقتصادی و هستی‌شناختی از طریق پیوند بی‌قید و شرط با نهاد خانواده و ایفای بی‌چون‌وچرای نقش‌های سنتی حاصل می‌شد. از این منظر، تمرکز بر «حفظ سنت» و پذیرش «تقسیم‌کار جنسیتی سخت‌گیرانه» نه یک انتخاب فردی، بلکه یک استراتژی انطباقی جمعی برای بقا و کسب منزلت در چهارچوب گفتمان مسلط زمانه خود بود. باور به این‌که «بهشت زیر پای مادران است»، زنانگی را به یک سرمایه نمادین تبدیل می‌کرد که ارزش آن در درون همین نظام معنایی تعریف می‌شد. این نسل، به‌عنوان یک «واحد نسلی»

منسجم، تجسم آرمان‌های یک جامعه پیشامدرن هستند که در آن هویت فردی عمدتاً درون هویت جمعی و خانوادگی مستحیل می‌شد؛ بنابراین، زنانگی برای آنان یک میراث فرهنگی ثابت بود، نه یک پروژه هویتی سیال. در ادامه به مؤلفه‌های اصلی حاصل از تحلیل مصاحبه‌های نسل مادر بزرگ‌ها همراه با نمونه‌هایی از مصاحبه‌ها اشاره می‌شود.

■ **برابری جنسیتی:** مادر بزرگ‌ها بر نفی برابری جنسیتی به دلیل مردسالاری غالب اشاره دارند. نسل مادر بزرگ‌ها نگران‌اند که برابری جنسیتی می‌تواند منجر به تخریب تقدس و نقش‌های تاریخی مرد و زن شود. آن‌ها ممکن است شاهد تغییراتی در جوامع خود باشند و احساس کنند که این تغییرات نیز همراه با مشکلات و ناهنجاری‌هایی است؛ اما به حفظ تفاوت‌های جنسیتی در جامعه تأکید دارند.

- نقل قول: «از بچگی به ما یاد دادند که زن و مرد باهم فرق می‌کنند و زن نجیب باید حرف مردش را گوش کنه.» (کد ۳۰)

■ **نقش مادری:** نسل مادر بزرگ‌ها معتقدند که نقش اصلی یک مادر در جامعه، مراقبت و تأمین نیازهای جسمی و روحی فرزندان و ایجاد ارتباط نزدیک و محبت‌آمیز با فرزندان است. آنان به شدت باور دارند که بهشت زیر پای مادران است.

- نقل قول: «من از خواهر و برادران کوچک‌ترم مراقبت می‌کردم و ۱۳ سال داشتم شوهرم دادن و یک سال بعدش دختری داشتم، من ۴ تا بچه دارم و تمام نفس من بچه‌هام هستند.» (کد ۲۷)

■ **نقش اجتماعی:** نسل مادر بزرگ‌ها معتقدند که نقش اصلی زنان در جامعه، مراقبت از خانواده و تأسیس یک محیط خانه آرام و پایدار است و به نیازهای جسمی و روحی اعضای خانواده، محافظت از همسر و فرزندان، مدیریت خانه و ایجاد هماهنگی بین اعضای خانواده اهمیت می‌دهند. کدبانو بودن برای نسل مادر بزرگ‌ها ارزش است.

- نقل قول: «زمان ما بیشتر خانم‌ها خانه‌دار بودن و برای هر زن نجیبی کدبانو بودن ارزش بود مثلاً زنی که بلد بود ترشی درست کنه، شیرینی بپزه، خیاطی کنه و این جور کارها بلد بود می‌گفتن از همه چی تمومه.» (کد ۳۱)

■ **تقسیم کار خانگی:** نسل مادر بزرگ‌ها مسئولیت‌های خانه‌داری، مراقبت از خانواده، تربیت فرزندان و سایر وظایف زنانه را دارند که بر اساس انتظارات جامعه و فرهنگ مردم درباره نقش زنان در خانواده و جامعه شکل گرفته است، کاملاً جدا از وظایف مردان است و عمدتاً در فضای خانه است به عبارت دیگر تقسیم کار جنسیتی سخت‌گیرانه درک مادر بزرگ‌ها از تقسیم کار خانگی است.

- نقل قول: «زمان ما خیلی بد می‌دونستن که مرد تو خونه به زنش کمک کنه و ما هم می‌گفتیم پدر و مرد باید ابهت داشته باشه و خودمون فقط کار می‌کردیم.» (کد ۳۰)

■ **مشارکت در بازار کار:** زنان به دلیل محدودیت‌های اجتماعی و فرهنگی، فرصت مشارکت در بازار کار را به میزان کمتری داشتند. در گذشته، نقش زنان در خانه و مراقبت از خانواده به عنوان نقش اصلی آن‌ها در جامعه تلقی می‌شد (مؤمنی و همکاران، ۱۳۹۳: ۲۵). برخی از مادر بزرگ‌ها نیاز به تأمین درآمد خانواده را در اولویت پایین‌تری قرار داده و به طور عمده در محدوده‌های خانه و صنایع دستی فعالیت داشتند. تعداد محدودی هم که شاغل دولتی بودند با شرایط آسان‌تر نسبت به زمان حال مشغول به کار بودند.

- نقل قول: «من با این که معلم بودم اما خانواده برام خیلی مهم‌تر بود مدرسه کنار خونه‌مون بود و کار کردن خیلی برام سخت نبود.» (کد ۳۲)

■ **تعامل اجتماعی- رسانه:** تعامل مادر بزرگ‌ها در قالب گفتگوها با خانواده، دوستان و اقوام و همسایه‌ها بود. در مورد رسانه هم بیشتر از تلویزیون و رادیو استفاده می‌کردند به همین دلیل توصیه مادر بزرگ‌ها برای نوه‌هایشان دوری و

فاصله گرفتن از فضای مجازی است؛ چون معتقدند که رسانه‌ها ممکن است به فرزندان آسیب برسانند یا از فرهنگ و ارزش‌ها دور کنند.

- نقل قول: «یکی از دلایلی که آلان جوونا جوابگویی می‌کند و حرف گوش نمی‌کنند همین گوشی و اینترنت اینا رو یانگی کرده.» (کد ۲۷)

جدول شماره ۶: مفاهیم، مضامین اصلی و فرعی در بین نسل مادر بزرگ‌ها

مفاهیم	مضمون فرعی	مضمون اصلی
- عدم تجربه برابری در یک جامعه مردسالار - پذیرش انتظارات جنسیتی مشخص و از پیش تعریف شده	کلیشه‌های جنسیتی	برابری جنسیتی
- باور به الگوهای قدیمی تر نقش مادری - نقش مادری به عنوان مهم‌ترین وظیفه و فضیلت زنانه	بهشت زیر پای مادر	نقش مادری
- تمرکز بر حفظ ارزش‌ها و سنت‌های فرهنگی در درون خانواده - نقش زن به عنوان «کدبانو» و محور آرامش خانواده	زن کدبانو	نقش اجتماعی
- باور به وظایف خانگی به عنوان مسئولیت ذاتی - تقسیم کار بر اساس کلیشه‌های جنسیتی شدید	زن فرمان بردار	تقسیم کار خانگی
- موانع اجتماعی-فرهنگی عامل محدودیت مشارکت اقتصادی - فعالیت اقتصادی محدود به مشاغل خانگی یا غیررسمی	بندرت در حد صنایع دستی	مشارکت در بازار کار
- تعامل اجتماعی محدود به دایره خویشاوندان - دیدگاه محافظه کارانه و محتاط نسبت به رسانه‌ها	عدم حضور	تعامل اجتماعی-رسانه

بحث و نتیجه گیری

پژوهش حاضر با اتخاذ رویکردی کیفی و با تکیه بر تکنیک تحلیل مضمون، به واکاوی ژرفانگرِ برساخت مفهوم زنانگی در میان سه نسل از زنان پرداخت. زنانگی به عنوان یک برساخت اجتماعی، در یک فرآیند پویا و در تقاطع عاملیت فردی و تعیین کننده‌های ساختاری-تاریخی شکل می‌گیرد. یافته‌ها نه تنها تفاوت‌های نسلی، بلکه یک گذار پارادایمی در تعریف و تجربه هویت زنانه را آشکار می‌سازد. کانون این تحول را می‌توان در شناسایی مضمون محوری منحصربه‌فرد هر نسل جستجو کرد که همچون محوری، دیگر مؤلفه‌های تجربه‌ی زنانگی را سازمان می‌دهد. زنانگی، آن گونه که مانهایم (بريستو، ۲۰۲۴) در نظریه نسل‌ها متذکر می‌شود، یک «موقعیت اجتماعی» است که در بستر تجارب مشترک تاریخی-فرهنگی هر نسل شکل می‌گیرد و نه یک ماهیت زیست‌شناختی ثابت. تحلیل داده‌ها منجر به شناسایی سه مضمون نهایی متمایز شد که هر یک، جهان‌نگری و الگوی کنش خاص یک نسل را نمایندگی می‌کند «مادر-همسر حافظ فرهنگ و سنت» برای نسل مادر بزرگ‌ها «زن توانمند در جامعه و خانواده» برای نسل مادران و «کنشگری و استقلال» برای نسل دختران. این سیر تحول، نه تنها بازتابی از تحولات ساختاری جامعه ایران است، بلکه مؤید طبیعت سیال زنانگی به مثابه یک برساخت گفتمانی است.

مضمون نهایی نسل مادر بزرگ‌ها، یعنی «مادر-همسر حافظ فرهنگ و سنت»، کاملاً با موقعیت نسلی آنان در یک بستر پیشامدرن و مردسالار همخوانی دارد (رفعت‌جاه و رهبری، ۱۳۹۳). در این نسل، زنانگی عمدتاً در حوزه خصوصی خانه و خانواده تعریف می‌شد و هویت زنانه از طریق ایفای نقش‌های همسری و مادری و حراست از سنت‌ها کسب می‌گردید. این نسل، مطابق با نظریه ارزش‌های اینگلههارت (تسای و پنگ، ۲۰۲۵) در شرایطی از ناامنی اقتصادی پرورش یافتند که اولویت با ارزش‌های مادی مانند امنیت و بقا بود. از این رو، پذیرش تقسیم کار جنسیتی سخت‌گیرانه و نفی برابری جنسیتی، نه یک انتخاب، بلکه یک استراتژی انطباقی با ساختارهای مسلط زمانه خود بود. این نسل، زنانگی را به مثابه یک میراث

فرهنگی می‌دیدند که باید بی‌دخل و تصرف به نسل بعد منتقل شود. برای نسل مادر بزرگ‌ها زنانگی، «حفظ و انتقال» است. این نسل، زنانگی را در قالب یک وظیفه‌ی اخلاقی-فرهنگی تعریف می‌کند که حول محور حفظ سنت‌های خانوادگی، انتقال ارزش‌ها و ایفای نقش مادری-همسری به‌عنوان سنگ بنای ثبات خانواده و جامعه می‌چرخد. این برداشت کاملاً با نظریه نسل‌های مانهایم همسو است؛ آنان در «موقعیت اجتماعی» یک جامعه پیشامدرن و مردسالار اجتماعی شده‌اند که در آن، امنیت هستی‌شناختی از طریق ادغام در ساختارهای سنتی و ایفای نقش‌های از پیش تعریف‌شده حاصل می‌شد. از این منظر، بدن زن، تولیدمثل و کار خانگی نه انتخاب، بلکه سرمایه نمادین او برای کسب منزلت و احساس تعلق بود. این نسل، «زنانگی خانه‌محور» را نمایندگی می‌کند که در آن فردیت، در جمعیت خانوادگی مطرح نیست.

در مقابل، نسل مادران در دوره‌ای از گذار شتابان و پراشتهاب جامعه ایران (مدرنیزاسیون تحمیلی، جنگ) اجتماعی شدند. مضمون محوری «زن توانمند در جامعه و خانواده»، نشان‌دهنده یک موقعیت بینابینی و دوگانه است. این نسل، با گسترش تحصیلات و اشتغال زنان مواجه شد، اما همچنان زیر سایه سنگین انتظارات سنتی نسل قبل قرار داشت؛ بنابراین، بر ساخت زنانگی در این نسل، نه رد کامل سنت، بلکه یک سازش فعالانه بود. آنان می‌کوشیدند تا با توسعه کفایت دوگانه، هم در عرصه عمومی (اشتغال) توانمند باشند و هم نقش مراقبتی خود در خانواده را به نحو احسن ایفا کنند. این تلاش برای تلفیق، آنان را در معرض تعارض نقش قرار می‌داد (دهقانی‌زاده و همکاران، ۱۳۹۹). این نسل را می‌توان «نسل گذار» نامید که بار تحول را بر دوش کشید و راه را برای نسل بعد هموار کرد. نسل مادران در یک موقعیت تاریخی بینابینی و پرتنش قرار داشتند. تحلیل مناسب برای این نسل؛ تعادل و تلفیق است. آنان شاهد اولین موج گسترده مدرنیزاسیون، جنگ و گشایش‌های نسبی آموزشی و شغلی برای زنان بودند. این نسل با یک دوگانگی ساختاری روبرو بود: از یک سو، بار سنگین انتظارات سنتی نسل قبل را بر دوش می‌کشید و از سوی دیگر، جذب ارزش‌های نوظهور استقلال مالی و مشارکت اجتماعی می‌شد. در نتیجه، بر ساخت زنانگی آنان نه رد کامل سنت که یک استراتژی پیچیده برای کفایت دوگانه بود. آنان می‌کوشیدند هم مادر فداکار و هم زن شاغل موفق باشند. این تلاش برای تلفیق نقش‌ها، آنان را در معرض تعارض هویتی دائمی قرار می‌داد که در نظریه‌های نقش اجتماعی به آن پرداخته شده است. این نسل «زنانگی گذار» را تجربه کرد؛ گذاری پر چالش که در آن، عاملیت فردی شروع به شکوفایی کرد، اما هنوز در چارچوب الزامات ساختاری قدرتمند محبوس بود.

اما مضمون نهایی نسل دختران، یعنی «کنشگری و استقلال»، نشان‌دهنده یک گسست پارادایمی با دو نسل پیشین است. این نسل، محصول جهان به‌شدت متصل، دیجیتال و آکنده از گفتمان‌های جهانی حقوق فردی است. مطابق با نظریه جایگزینی نسلی و نظریه گسست نسلی، زیست جهان این نسل به‌قدری با نسل‌های پیشین تفاوت دارد که یک شکاف معرفت‌شناختی ایجاد شده است. برای این نسل، زنانگی یک پروژه هویتی است که باید به‌طور فعال و آگاهانه از طریق عاملیت فردی ساخته شود. تأکید بر استقلال مالی یک ضرورت اقتصادی صرف نیست، بلکه ابزار تحقق اختیار فردی است. بازتعریف مادری به‌عنوان یک «انتخاب» و نه یک «جبر» و مطالبه تقسیم عادلانه کار خانگی، به چالش کشیدن بنیادین خود نظام جنسیتی سنتی است. کنشگری آنان در فضای مجازی (جایاتیس، ۲۰۲۳)، عرصه‌ای برای بازتولید این گفتمان جدید است. این نسل، زنانگی را از معنای «بودن» بر اساس نقش‌های از پیش تعریف‌شده به معنای «شدن» بر اساس انتخاب و بازاندیشی شخصی تغییر داده‌اند. به عبارت دیگر زنانگی برای نسل دختران، اختیار و بازتعریف است. این نسل با نظریه گسست نسلی به بهترین شکل توضیح داده می‌شود. سرعت تحولات تکنولوژیک و فرهنگی به حدی بوده که تجربه مشترک نسلی آنان با نسل‌های پیشین اشتراک چندانی ندارد. درک آنان از مفاهیمی چون بدن، ازدواج، کار و خانواده، در گفتمان‌هایی

شکل گرفته که برای نسل قبلی اغلب نامأنوس یا غیرقابل درک است. این، همان شکاف معرفت‌شناختی است که گسست نسلی را ایجاد می‌کند.

در جمع‌بندی نهایی، این پژوهش نشان می‌دهد که گذار از مضمون «حفظ سنت» به «توانمندی در گذار» و سپس به «کنشگری فردی»، روایتی از یک تحول بزرگ‌تر در جامعه ایران است. این سیر، حرکت از یک هستی‌شناسی جمع‌گرایانه به سوی یک هستی‌شناسی فردگرایانه را در تجربه زنانگی به تصویر می‌کشد. تنش‌های بین‌نسلی موجود در مطالعات زنان تنها بازتابی از این تغییر الگویی عمیق است که در آن، زنانگی از یک معنای تقدیری به یک معنای انتخابی و سیاسی تبدیل شده است.

پیشنهادهای

با توجه به یافته‌های این پژوهش که نشان از تحول پویا و چندلایه مفهوم زنانگی در گذار نسل‌ها دارد، زنانگی یک برساخت تاریخی-فرهنگی سیال است که در میدان نیروهای کلان اجتماعی و کنش زنان شکل می‌گیرد تحول این مفهوم در کرمان، تصویر کوچکی از تحولات گسترده‌تر در جامعه ایران است. کارهای زیادی در پیش است پیشنهادهای زیر در سطوح مختلف ارائه می‌گردد.

الف. پیشنهادهای سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی کلان

- بازنگری در سیاست‌های فرهنگی و خانواده: با توجه به شکاف عمیق بین‌نسلی، ضروری است نهادهای سیاست‌گذار (مانند شورای فرهنگی اجتماعی زنان و خانواده، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی) به جای اتخاذ رویکردی یکسان‌ساز و مبتنی بر یک الگوی خاص از زنانگی، سیاست‌های چندالگویی و منعطف را در پیش گیرند. این سیاست‌ها باید تنوع تجارب نسلی و مطالبات متفاوت زنان جوان (مانند تأکید بر عاملیت فردی و عدالت در تقسیم کار خانگی) را به رسمیت شناخته و در برنامه‌ریزی‌ها لحاظ کنند.

- توانمندسازی اقتصادی نسل جوان: با توجه به تأکید نسل دختران بر استقلال مالی، طراحی و اجرای برنامه‌های خاص برای تسهیل ورود زنان جوان تحصیل‌کرده به بازار کار و حمایت از کارآفرینی آنان، نه تنها یک سرمایه‌گذاری اقتصادی، بلکه پاسخی به یک نیاز هویتی این نسل است.

پیشنهادهای آموزشی و فرهنگی

- تأکید بر گفت‌وگوی بین‌نسلی: پیشنهاد می‌شود نهادهای آموزشی و فرهنگی (مانند صداوسیما، آموزش و پرورش و کانون خانواده) به جای تأکید یک‌سویه بر انتقال ارزش‌ها از نسل قدیم به جدید، بستری برای گفت‌وگوی انتقادی و همدلانه بین سه نسل فراهم آورند. هدف از این گفت‌وگوها، نه قضاوت یا تحمیل ارزش، بلکه درک متقابل منطق و زمینه‌های شکل‌گیری تفاوت‌هاست.

- بازبینی محتوای آموزشی: بازنگری در کتب درسی و برنامه‌های آموزشی باهدف حذف کلیشه‌های جنسیتی سخت و معرفی الگوهای متنوع و موفق از زنان در عرصه‌های مختلف ازجمله زنان خانه‌دار، دانشمند، هنرمند و ورزشکار ضروری است. این کار به نسل آینده کمک می‌کند تا زنانگی را در قالب‌های متنوع و نه محدود ببینند.

- تولید محتوای داستانی و مستند هوشمند: رسانه ملی و پلتفرم‌های محتوایی داخلی باید با تولید مجموعه‌ها و مستندهای داستانی که به بازنمایی پیچیدگی‌ها و تنوع تجارب زنان در نسل‌های مختلف بپردازند، در جهت ایجاد درک اجتماعی عمیق‌تر از این تحولات گام بردارند. پرهیز از تصاویر کلیشه‌ای و ساده‌انگارانه از زنان در این تولیدات نکته‌ی کلیدی است.

• *ایجاد پلتفرم‌های دیجیتال برای بیان روایت‌های زنانه*: حمایت از ایجاد و توسعه فضای آنلاین امن برای زنان همه نسل‌ها به‌منظور به اشتراک‌گذاری درک خود می‌تواند علاوه بر مستندسازی این تحولات تاریخی، حس همبستگی و درک متقابل را تقویت کند.

پیشنهادهایی برای پژوهش‌های آتی

- *تعمیم پژوهش به سایر بافت‌های جغرافیایی و قومی*: انجام پژوهش‌های مشابه در دیگر شهرهای ایران با بافت‌های فرهنگی، قومی و اقتصادی متفاوت امکان مقایسه و تدوین یک نظریه زمینه‌ای جامع‌تر را از تحول زنانگی در ایران فراهم می‌کند.
- *تمرکز بر نقش مردان*: پژوهش‌های آینده می‌توانند به بررسی این سؤال بپردازند که تحول مردانگی در مواجهه با این تغییرات در زنانگی چگونه بوده است؟ درک هم‌زمان تحول در هر دو سو، برای تحلیل آینده مناسبات جنسیتی در ایران حیاتی است.

سپاسگزاری

نویسنده مقاله از تمامی بانوانی که با صداقت در مصاحبه‌ها شرکت کردند، قدردانی می‌کند.

منابع

- آذر، م.؛ نوحی، س. (۱۳۹۹)، *زن در اجتماع: نگاهی به چالش‌های اجتماعی، فرهنگی و حقوق زنان ایرانی*، تهران، انتشارات ارجمند.
- بارکر، ک. (۱۳۸۷)، *مطالعات فرهنگی نظریه و عملکرد*، مترجم مهدی فرجی، نفیسه حمیدی، تهران، پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
- پارساکیا، ک.؛ رستمی، م.؛ سعادت، ن.؛ دربانی، ع. و نوابی نژاد، ش. (۱۴۰۲)، "واکاوی علل و عوامل تفاوت میان دختران نسل زد با نسل‌های گذشته در ایران از منظر روانشناسی اجتماعی"، *فصلنامه روانشناسی زن*، ۴(۱).
- جانسون، ر. ا. (۱۴۰۰)، *زنانگی از دست‌رفته*، مترجم ساره سرگلزایی، تهران، انتشارات بنیاد فرهنگ زندگی دیجیتال.
- دهقانی‌زاده، ح.؛ فلاح، م.؛ و وزیر، س. (۱۳۹۹)، "احساس گناه مادری: کاوشی کیفی بر اشتغال زنان در رابطه مادر-فرزند"، *طلوع بهداشت*، ۱۹ (۲)، ۱۶-۳۲.
- رفعت‌جاه، م. و رهبری، ل. (۱۳۹۳)، "گونه‌شناسی اکتشافی برداشت از مفهوم زنانگی"، *مطالعات و تحقیقات اجتماعی در ایران*، ۳(۲)، ۳۱۱-۳۳۴.
- صادقی، ر. و شهابی، ز. (۱۳۹۸)، «تعارض کار و مادری: تجربه گذار به مادری زنان شاغل در شهر تهران»، *جامعه‌شناسی کاربردی*، ۳۰(۱)، ۹۱-۱۰۴.
- غفاری نسب، ا. و محمدتقی نژاد اصفهانی، ر. (۱۴۰۰)، "مصرف فضا و بازتعریف زنانگی: مطالعه تجربه کافه‌نشینی زنان در شیراز"، *جامعه‌شناسی کاربردی*، ۳۲(۲)، ۷۰-۴۹.
- فرهمند، م.؛ صبوحی گلکار، ز. و میرجلیلی، ز. (۱۴۰۴)، "زیست جهان متحول: مطالعه کیفی بازاندیشی جنسیتی دختران نسل زد"، *جامعه‌شناسی اقتصادی و توسعه*، ۱۳(۲)، ۱۴۵-۱۱۵. doi: 10.22034/jeds.2025.64150.1830.
- فلاحی، ل. (۱۳۹۵)، "نگرش به نقش‌های جنسیتی در نسبت با قومیت و جنسیت"، *تحقیقات فرهنگی ایران*، ۹(۳۳)، ۵۹-۳۳.
- کریمی قهی، م. و خزائی، ط. (۱۳۹۸)، "برساخت زنانگی در گفتمان تشکلهای اصول‌گرا زنان، تاکتیک‌ها و سازوکارهای گفتمانی"، *فصلنامه زن و جامعه*، ۱۰(۳۸)، ۲۶۲-۲۴۱.
- محمدپور، ا. (۱۳۹۷)، *ضد روش زمینه‌های فلسفی و رویه‌های عملی در روش‌شناسی کیفی*، چاپ اول، ویراست دوم، قم، لوگوس.
- معروف پور، م.؛ سفیری، خ.؛ توسلی، ا. و ودیعه، س. (۱۳۹۷)، "ارائه الگوی تعارض هویتی زنان"، *زن و مطالعات خانواده*، ۱۰(۳۸)، ۶۷-۴۳.

مؤمنی، ف.؛ ارض‌روم چیلر، س. و هنردوست، ع. (۱۳۹۳)، "بررسی وضعیت زنان در برنامه‌های توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی پس از انقلاب"، *زن در فرهنگ و هنر*، ۶(۱)، ۲۸-۱.

هادی‌پور، م.؛ فرجی سبک‌بار، ح.؛ داورخانی، ف. و رومیانی، ا. (۱۳۹۹)، "ارائه الگوی ارزیابی توزیع فضایی فعالیت (اشتغال و بیکاری) زنان در شهرستان‌های ایران با استفاده از سیستم‌های دانش‌بنیان"، *اقتصاد فضا و توسعه روستایی*، سال نهم تابستان ۱۳۹۹، ۲ (۳۲)، ۱۴۹-۱۷۲.

References

- Azar, M.; Nouhi, C. (2019). *Women in Society: A Look at Social, Cultural Challenges and Iranian Women's Rights*. Tehran, Arjomand Publications. [In Persian].
- Barker, K. (2008). *Cultural Studies: Theory and Practice*. translated by Mehdi Faraji, Nafiseh Hamidi. Tehran, Research Institute for Cultural and Social Studies. [In Persian].
- Braun, V., & Clarke, V. (2023). Toward good practice in thematic analysis: Avoiding common problems and be (com) ing a knowing researcher. *International Journal of Transgender Health*, 24(1), 1-6.
- Bristow, J. (2024). Sociology and the problem of 'social generations'. *Studying generations*, 17-40.
- Byrne, J., Fattoum, S., & Diaz Garcia, M. C. (2019). Role models and women entrepreneurs: Entrepreneurial superwoman has her say. *Journal of Small Business Management*, 57(1), 154-184.
- Chodorow, N. J. (2023). *The reproduction of mothering: Psychoanalysis and the sociology of gender*. Univ of California Press.
- Dehghani Zadeh, H.; Fallah, M.; and Vaziri, S. (2019). Maternal Guilt: A Qualitative Exploration of Women's Employment in the Mother-Child Relationship. *Toloo behdasht Journal*, 19(2), 16-32. [In Persian].
- Enworo, O. C. (2023). Application of Guba and Lincoln's parallel criteria to assess trustworthiness of qualitative research on indigenous social protection systems. *Qualitative research journal*, 23(4), 372-384.
- Farahmand, M.; Sabohi-Golkar, Z. and Mirjalili, Z. (2025). The Changing Bioworld: A Qualitative Study of Gender Rethinking of Generation Z Girls. *Economic Sociology and Development*, 13(2), 145-115. [In Persian]. doi: 10.22034/jeds.2025.64150.1830
- Fazloon, S., & Usman, H. (2024). Exploring the Factors Behind the Rejection of Traditional Gender Roles: A Preliminary Study amongst Gen Zers. Asia-Pacific, *Journal of Futures in Education and Society*, 3(2), 45-58. <https://doi.org/10.58946/apjfes-3.2.p4>
- Felahati, L. (2016). Attitudes towards Gender Roles in Relation to Ethnicity and Gender. *Iranian Cultural Research*, 9(33), 59-33. [In Persian].
- Ghafari Nasab, A. and Mohammad Taghinejad Esfahani, R. (2014). Space Consumption and the Redefining of Femininity: A Study of Women's Experience of Sitting in a Cafe in Shiraz. *Applied Sociology*, 32(2), 70-49. [In Persian].
- Hadipour, M.; Faraji Sabqbar, H.; Davarkhani, F. and Rumiani, A. (2019). Presenting a Model for Evaluating the Spatial Distribution of Women's Activity (Employment and Unemployment) in Iranian Counties Using Knowledge-Based Systems. *Spatial Economics and Rural Development*, 9th Summer 2019, 2 (32), 149-172. [In Persian].
- Hamilton, L. T., Armstrong, E. A., Seeley, J. L., & Armstrong, E. M. (2019). Hegemonic femininities and intersectional domination. *Sociological Theory*, 37(4), 315-341.
- Herzog, C., Handke, C., & Hitters, E. (2019). *Analyzing talk and text II: Thematic analysis* (pp. 385-401). Springer International Publishing.
- Jayatissa, K. A. D. U. (2023). Generation Z – A New Lifeline: A Systematic Literature Review. Sri Lanka, *Journal of Social Sciences and Humanities*, 3(2), 179-186. <https://doi.org/10.4038/sljssh.v3i2.110>

- Jayatissa, K. A. D. U. (2023). Generation Z—A new lifeline: A systematic literature review. *Sri Lanka Journal of Social Sciences and Humanities*, 3(2).
- Johnson, R. A. (1400), *Lost Femininity*, translated by Sara Sargolzaei, Tehran, Digital Life Culture Foundation Publications. [In Persian].
- Karami-Ghahi, M. and Khazaei, T. (2019). Construction of Femininity in the Discourse of Fundamentalist Women's Organizations, Tactics and Discursive Mechanisms. *Quarterly Journal of Women and Society*, 10(38), 262-241. [In Persian].
- Lorber, J. (2010). *Gender Inequality: Feminist Theories and Politics*. Oxford University Press.
- Marufpour, M.; Safiri, Kh.; Tavassoli, A. and Vadih, S. (2018). Presenting a Model of Women's Identity Conflict. *Women and Family Studies*, 10(38), 67-43. [In Persian].
- Moghadam, V. M. (2023, May). Gender regimes, politics, and the world-system: Comparing Iran and Tunisia. In *Women's Studies International Forum* (Vol. 98, p. 102721). Pergamon.
- Mohammadpour, A. (2018). *Anti-method: Philosophical Backgrounds and Practical Procedures in Qualitative Methodology*. First Edition, Second Edition, Qom, Logos. [In Persian].
- Momeni, F.; Arz-Rom Chiller, S. and Honardoost, A. (2014). Investigating the Status of Women in Economic, Social and Cultural Development Programs after the Revolution. *Women in Culture and Art*, 6(1), 1-28. [In Persian].
- Parsakia, K., Rostami, M., Saadati, N., Darbani, S. A., & Navabinejad, Sh. (2023). Analyzing the causes and factors of the difference between the girls of the generation Z and the previous generations in Iran from the perspective of social psychology. *PWJ*, 4(1): 1-16. [In Persian].
- Pickard, S. (2020). Waiting like a girl? The temporal constitution of femininity as a factor in gender inequality. *The British Journal of Sociology*, 71(2), 314-327.
- Pollock, G. (2018). Modernity and the Spaces of Femininity. In *The Expanding Discourse* (pp. 244-267). Routledge.
- Rafat Jah, M. and Rahbari, L. (2014). Exploratory Typology of the Concept of Femininity. *Social Studies and Research in Iran*, 3(2), 334-311. [In Persian].
- Sadeghi, R. and Shahabi, Z. (2019). The Conflict of Work and Motherhood: The Experience of Transition to Motherhood of Working Women in Tehran. *Applied Sociology*, 30(1), 104-91. [In Persian].
- Sánchez, Mira, N. (2024). doing gender in female breadwinner households: Gender relations and
- Tsai, M. C., & Peng, S. C. (2025). Postmaterialism, generational replacement and value change: An age-period-cohort analysis of the US, Japan, Türkiye and China. *Social Indicators Research*, 176(1), 173-194.
- Twenge, J. M. (2023). *Generations: the real differences between Gen Z, Millennials, Gen X, Boomers, and Silents—and what they mean for America's future*. Simon and Schuster.
- Wood, J. T., & Fixmer-Oraiz, N. (2019). *Gendered lives: Communication, gender, and culture*.

Constructing the Concept of Femininity in the Transition of Generations (A Qualitative Inquiry Among Three Generations of Women in Kerman City, 1403)

Batool.Seifoori 

Corresponding Author, Assistant Professor, Department of Social Sciences, Payame Noor University, Tehran, Iran.

batool.seifoori@pnu.ac.ir

ARTICLE INFO	ABSTRACT
Article type: Research Paper Article History: Received: 20 July 2025 Accepted: 01 December 2025 Published: 30 December 2025 Keywords: Concept of Femininity, Three Generations, Social Construction, Qualitative Study, Kerman City.	Introduction: This study aimed to investigate the social construction of the concept of femininity and its intergenerational transformations in the city of Kerman. The primary objective was to explore and compare the perceptions of three distinct generations/grandmothers, mothers, and daughters/regarding this concept, and to identify the core themes shaping the discourse of femininity within each cohort. Grounded in an interpretive paradigm, this qualitative research employed semi-structured interviews with 32 women residing in Kerman. Methodology: Data collection continued independently for each generation until theoretical saturation was achieved. Participants were selected through purposive sampling with maximum variation, comprising 16 daughters (born 1991-2001), 10 mothers (born 1971-1981), and 6 grandmothers (born before 1961). The data were subsequently analyzed using thematic analysis. Results: Data analysis led to the extraction of three distinct main themes that reflected the ultimate outcome of the construction of femininity in each generation: "Femininity as Mother-Wife, Preserver of Culture and Tradition" for the grandmothers; "Femininity as an Empowered Woman in Society and Family" for the mothers; and "Femininity as Agency and Autonomy" for the daughters. The findings illustrate a clear evolution of femininity from a focus on the private sphere toward active participation in the public arena, with a growing emphasis on individual agency. Conclusions: The study concludes that femininity is a fluid historical and cultural construct, continuously reproduced at the intersection of individual agency and structural constraints. Its innovative contribution lies in its comparative, intergenerational analysis and the identification of three dominant discourses. For cultural policymakers and planners, these findings underscore the necessity of recognizing the diversity and dynamism of generational constructions of femininity to effectively understand women's issues and formulate relevant strategies.

Cite this article: Seifoori, B. (2025). Constructing the Concept of Femininity in the Transition of Generations (A Qualitative Inquiry Among Three Generations of Women in Kerman City, 1403). *Journal of Economic & Developmental Sociology*, 14 (2), 148-169



© The Author(s). Publisher: University of Tabriz Press.



[10.22034/jeds.2025.68235.1881](https://doi.org/10.22034/jeds.2025.68235.1881)